

فصلنامه مطالعات سیاسی

سال هفتم، شماره ۲۷، بهار ۱۳۹۴

صفحات: ۱۹۶-۱۶۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۸/۹؛ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۳/۱۲/۱۴

بررسی تطبیقی تنوع عملکرد کشورها در خصوص فرآیند نظارت بر انتخابات ریاست جمهوری در ایران و سایر کشورها

دکتر عبدالرضا بای* / محسن طاهری** / عباس آب سالان***

چکیده

بی تردید انتخاب مسؤولان سیاسی و اجرایی، رکن رکین حاکمیت مردمی و مبنای مشروعیت نظامها، خصوصا کشورهایی است که در فضای لیبرالیسم معاصر تنفس می‌کنند. چنین نگرشی از منظر نگارندگان سبب شد که جستار نظارت بر انتخابات ریاست جمهوری را در پیش بگیریم. بحث انتخابات و نظارت بر آن موضوعی مهم و حساس برای افراد، جریان‌های سیاسی و سرنوشت کشور می‌باشد که به طریق اولی باید نهادی بر حسن اجرای انتخابات نظارت کند. انتخابات سالم، ساز و کاری برای تقویت مشروعیت نظام سیاسی، گردش مسالمت آمیز و آرام صاحبان قدرت، پویایی فضای سیاسی و پیوند مردم و حکومت محسوب می‌شود. این مقاله مبتنی بر این فرض است که نظارت بر انتخابات امری محتوم و خدشه ناپذیر است و به نوعی حربه، مجوز و عامل مشروعیت حکومت است. البته نهادهای ناظر از کشوری به کشور دیگر متفاوت می‌باشد (قوه مقننه، قوه مجریه، قوه قضائیه و کمیسیون انتخاباتی، نهادهای نظامی و...). هدف از پژوهش نیز آشنایی با تنوع عملکرد کشورهای مختلف بر فرآیند نظارت بر انتخابات ریاست جمهوری در ایران و کشورهای دیگر می‌باشد. اساس کار تطبیقی در این پژوهش نوع محور بوده است و سعی شده ضمن برشمردن انواع ارگان‌های نظارتی بر انتخابات ریاست جمهوری، یک کشور هم به عنوان نمونه آن، معرفی شود. در پایان می‌توان الگوی نظارت بر انتخابات ریاست جمهوری در ایران را به عنوان یک شیوه ابتکاری و بدیع معرفی کرد، که می‌تواند از جانب کشورهای اسلامی معاصر به عنوان یک الگوی مناسب و کارآمد اسلامی مورد پیروی قرار گیرد. البته این گفته بدین معنا نیست که دیگر الگوهای موصوف ناکارآمد بوده و پاسخگوی نیازهای دموکراتیک ملت‌ها در دوران معاصر نیستند.

واژگان کلیدی

نظارت، انتخابات، ریاست جمهوری، دولت، قدرت، نظام‌های سیاسی، مطالعه تطبیقی، تنوع عملکرد.

* استادیار گروه علوم سیاسی، واحد آزادشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، آزادشهر، ایران

taheri.publiclaw@hotmail.com

** دانشجوی دکتری حقوق عمومی، دانشگاه تهران، پردیس قم، ایران

abbasabsalan99@yahoo.com

*** کارشناس ارشد حقوق عمومی و مدرس دانشگاه

مقدمه

هر جا سخن از حقوق عمومی است جای پای دولت در آن دیده می‌شود، سخن گفتن از دولت و اندیشیدن پیرامون آن نه کهنگی دارد و نه تمام شدنی است و پیوسته می‌توان همچون پدیده‌ای جدید و نوین مورد مذاقه علمی قرار گیرد. بی‌تردید انتخاب مسؤولان سیاسی و اجرایی، رکن رکن حاکمیت مردمی نظام‌های سیاسی و مبنای مشروعیت آن‌ها، خصوصاً کشورهای است که در فضای لیبرالیسم معاصر تنفس می‌کنند. چنین نگرشی از منظر نگارندگان سبب شد که جستار نظارت بر انتخابات ریاست جمهوری را در پیش بگیریم. انتخابات سالم، سازوکاری برای تقویت مشروعیت سیاسی، گردش مسالمت آمیز و آرام صاحبان قدرت، پویایی فضای سیاسی و پیوند مردم و حکومت محسوب می‌شود، ضمن اینکه کارآمدی و پویایی نظام‌های سیاسی اجتماعی، رابطه مستقیمی با نوع و نحوه نظارت دارد.

از زمان شکل‌گیری قدرت سیاسی و تقسیم جامعه سیاسی به دو گروه فرمانبران و فرمانروایان، همواره مشروعیت فرمانروایی گروه اخیر مورد بحث و جدال بوده است. نظریه تعلق حاکمیت به مردم پس از تجربیات گوناگون در امر حکومت، به عنوان تنها نظریه معقول، مقبول ملل و معمول اکثر قریب به اتفاق جوامع سیاسی جهان گشته است. به دلیل عدم تحقق دموکراسی مستقیم، شیوه دموکراسی غیرمستقیم، یعنی گزینش فرمانروایان از جانب فرمانبران، مورد توجه قوانین اساسی قرار گرفته و مکانیسم انتخابات برای آن منظور گردیده است (هریسی‌نژاد، ۱۳۸۰: ۲۳۸). بطوریکه در تاریخ سیاسی بریتانیا دیده می‌شود، نخستین سنگ بنای انتخابات به معنای امروزی کلمه در این مملکت گذارده شد، اما استقرار حقوقی و سیاسی انتخابات در شکل نهایی آن در قرن هفدهم و هجدهم با پذیرش نظریه نماینده سالاری و ایجاد رژیم‌های نماینده‌ای و متعاقب ظهور نظریه حاکمیت ملی انجام پذیرفت. انقلابیون اروپا با رد فلسفه حاکمیت مردم که از سوی روسو و همفکران وی ارائه شده بود و گراییدن به اصل حاکمیت ملی طبعاً به سوی اعمال غیرمستقیم قدرت توسط مردم کشیده شدند (قاضی، ۱۳۸۳: ۵۷۸).

رای دهی و مشارکت در انتخابات آشکارترین نوع مشارکت سیاسی برای اغلب شهروندان در جوامع مردم سالار است. این عمل موثرترین و عملی‌ترین وسیله برای شهروندان است تا افکار و عقاید خود را در اداره امور عمومی و اجتماعی اعمال کنند و در واقع یک نوع سازوکار اجتماعی برای گردآوری و تشخیص گزینه‌ها و ارجحیت‌های اجتماعی است. اساسی‌ترین عملکرد

_____ بررسی تطبیقی تنوع عملکرد کشورها در خصوص فرآیند نظارت بر انتخابات ریاست...

مشارکتی رای دهی، فرصت دادن برای جانشینی و انتقال مناصب و مسؤولیت‌ها در جامعه است (Dowse & Hughes, 1986: 293). از این رو انتخابات یکی از ارکان مهم شکل‌گیری ساختار سیاسی در نظام‌های مردم‌سالار به شمار می‌رود. همه کشورهایی که به درستی یا نادرستی، ادعای داشتن نظام مشارکت‌پذیر و مردمی را دارند، ناچارند نظام انتخاباتی را به نحوی در نظام سیاسی خود بپذیرند. در واقع مراجعه به آرای عمومی از طریق انتخابات، مهمترین ابزار مشارکت سیاسی به حساب می‌آید (اسماعیلی و موحدیان، ۱۳۸۸: ۱۷۶).

در پاسخ به این پرسش که چرا انتخابات مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است، می‌توان گفت انتخابات در کنار سایر سازوکارهای مشارکت مردم به صورت انفرادی، جمعی یا گروهی یا صنفی، همچنان مهمترین، بارزترین و قابل اندازه‌گیری‌ترین نوع مشارکت افراد در عرصه سیاسی است. انتخابات از یک سو، پایه‌های اجتماعی قدرت سیاسی و اخلاق اجتماعی شهروندی را نشان می‌دهد و از سوی دیگر ملاک خوبی برای ارزیابی توزیع قدرت در جامعه است (عیوضی، ۱۳۸۸: ۱۵۸). انتخابات پدیده‌ای اجتماعی و فرهنگی است که در نهایت، بروندادی سیاسی دارد؛ به همین جهت است که برای اهل اندیشه، مستمسک خوبی به منظور تعمق و تأمل خواهد بود. بی‌تردید آنچه از صندوق‌های رای بیرون می‌آید، برآیند عقل جمعی است و می‌توان شاخص تحلیل‌های متعدد قرار گیرد (دارابی، ۱۳۸۸: ۱۰).

قوانین موضوعه اکثر کشورهای جهان محدودیت‌های گوناگون و متنوعی را هم برای انتخاب کنندگان و هم برای انتخاب‌شوندگان در عرصه انتخابات قائل شده‌اند. از جمله این محدودیت‌ها می‌توان به تابعیت، شرط سنی، آمادگی روانی، اهلیت اخلاقی، محرومیت برخی گروه‌ها و... اشاره نمود. بنابراین از یک سو می‌توان فلسفه نظارت را این‌گونه بیان کرد که افراد و گروه‌هایی که در قانون از ورود به عرصه انتخابات منع شده‌اند نتوانند به‌طور غیرقانونی در انتخابات وارد شوند. باید توجه داشت که عدم شرکت کسانی که واجد شرایط نیستند به تنهایی نمی‌تواند تضمینی برای صحت و سلامت انتخابات باشد، چراکه آفت‌هایی سلامت انتخابات را تهدید کرده و می‌تواند به اعتبار و حیثیت آن لطمه شدید وارد آورند.

نظارت بر انتخابات عموماً در قوانین اساسی، که در تارک هرم نظام قانونی کشورهاست، مورد توجه قرار گرفته است و غالباً سعی شده که مرجع ناظر متشکل از افرادی باشد که در نتایج انتخابات ذینفع نباشند. در میان انتخابات برای مناصب مختلف حکومتی نیز، گزینش رئیس جمهور از طرف مردم، موجب می‌شود تا وی وابستگی سازمانی به هیچ‌کدام از نهادهای حاکم

نداشته باشد و از لحاظ منشا قدرت در موقعیتی برابر با پارلمان قرار گیرد. انتخاب وی به وسیله ملت اعتبار و حیثیت فوق‌العاده‌ای به او می‌بخشد و نتیجه اینکه رئیس‌جمهور نه به عنوان رئیس افتخاری بلکه عنوان رئیس حقیقی کشور در عرصه سیاست ظاهر می‌شود (طباطبایی مومنی، ۱۳۸۰: ۱۲۹)، از این رو نظارت بر این انتخابات، در کشورهای مختلف از اهمیت اساسی برخوردار است.

نظام انتخاباتی هر کشور مطابق با اصول مندرج در قانون اساسی آن کشور، شیوه نظارتی خاصی را برای خود برمی‌گزیند که در مجموع هدف همه آن‌ها برقراری انتخابات سالم و مطمئن است. در این خصوص بیشترین توجه بر این است که قوه مجریه به خاطر ذینفع بودن از نتیجه انتخابات، خصوصاً در انتخابات ریاست جمهوری در مقام نظارت مذکور قرار نگیرد و ثانیاً در مقام مجری انتخابات توسط قوه ناظر تحت نظارت و کنترل قرار گیرد (هاشمی، ۱۳۸۶: ۱۰۰). اصل نظارت در همه کشورها به نوعی اعمال می‌گردد؛ برای مثال در قانون اساسی فرانسه، شورای قانون اساسی، در آلمان و روسیه، دادگاه قانون اساسی، در آمریکا، مجلس نمایندگان و در انگلستان، مجلس عوام، وظیفه نظارت بر انتخابات را برعهده دارند (اطاعت، ۱۳۸۳: ۲۹).

قانونگذار ایران صلاحیت نظارت بر انتخابات ریاست جمهوری را به نهادی مستقل از نهاد مدیریت اجرایی انتخابات واگذار کرده است. مطابق با اصل ۹۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: شورای نگهبان نظارت بر انتخابات مجلس خبرگان رهبری، ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی و مراجعه به آرای عمومی و همه‌پرسی را برعهده دارد. به خوبی روشن است که انتخابات در کشور ما ابزار کار دومین نهاد نظام است. اصل اول نظام، اسلامیت و اصل دوم جمهوریت است و راهکار اصل ششم قانون اساسی که تمامی امور کشور متکی به آرای عمومی است، در انتخابات است. هیچ مساله مهمی را در کشور نمی‌یابیم که به طور مستقیم یا غیرمستقیم به انتخابات مربوط نباشد (عمید زنجانی، ۱۳۸۲: ۶۱).

در این مقاله تلاش کرده‌ایم ابتدا مفهوم نظارت و انواع آن و اصول حاکم بر نظارت و مقام ناظر را تبیین کنیم و در ادامه با نگاهی تطبیقی، به معرفی چگونگی نظارت بر انتخابات ریاست جمهوری در ایران و کشورهای دیگر بپردازیم. ابتدا در یک مطالعه تطبیقی نوع محور، به انواع آن در انتخابات ریاست جمهوری اشاره کنیم و سپس کشورهای را من باب مثال بخاطر تنوع عملکردشان در نظام‌های سیاسی معاصر معرفی کنیم تا خواننده با نحوه و شرایط انواع نظارت

_____ بررسی تطبیقی تنوع عملکرد کشورها در خصوص فرآیند نظارت بر انتخابات ریاست...

آشنایی بیشتری پیدا کند. لازم به ذکر است که مطالعات تطبیقی از درون گرایی، تاخر و درخودتنیدگی نظام‌های سیاسی جلوگیری می‌کند و منشا تعامل و بده بستان نظام‌های حقوقی بشمار می‌رود. این بررسی ضمن معرفی الگوهای متفاوت نظارت بر انتخابات ریاست جمهوری در کشورهای مذکور و آشنایی خوانندگان با تجربه کشورهای دیگر در این خصوص، به معرفی الگوی اسلامی مبتکرانه جمهوری اسلامی ایران در این خصوص نیز خواهد پرداخت، چه‌آنکه این شیوه می‌تواند به عنوان یک الگو برای کشورهای تازه به استقلال رسیده اسلامی منطقه نیز مورد استفاده قرار گیرد.

گفتار اول: تبیین نظارت و انواع آن

شاید در نگاه نخست هرکس با شنیدن و خواندن کلمه نظارت معنی آن را در ذهن خویش تداعی کند و آنچه را که در پشت این کلمه نهفته است به خوبی درک نماید، لیکن احاطه کامل بر معنای گوناگون هر لفظی که بر زبان جاری می‌شود و در نوشته‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد موجب گشایش دریچه‌های تازه‌ای در مورد آن مفهوم در ذهن می‌شود.

در خصوص واژه نظارت باید گفت که نظارت اسم مصدر از ریشه نظر است. نظارت در زبان فارسی به معنای مراقبت، تحت نظر و دیده‌بانی داشتن بر کاری است (دهخدا، ۱۳۴۳، ذیل کلمه نظارت). نظارت به فتح نون به معنی عمل ناظر و مقام او، مراقبت در اجرای امور مانند نظارت بیوتات، نظارت امور مالی و... است. نظارت به کسر نون یعنی زیرکی، درست نظر کردن و نگرستن است (معین، ۱۳۷۱، ذیل کلمه نظارت). در ترمینولوژی حقوق نظارت به معنای ناظر آمده است و در ذیل کلمه ناظر آمده است که ناظر در لغت به معنای نگاه کننده و نگران است و در اصطلاح کسی را گویند که بر کاری دیگر مانند متولی موقوفه یا وصی یا وکیل یا قیم و... مانند ناظر امین قهار در مسیر، نظارت می‌کند تا عمل صحیح صورت گیرد (لنگرودی، ۱۳۶۸: ۳۶۵). در مجموع نظارت به مجموعه عملیاتی گفته می‌شود که طی آن میزان نظارت مطابق عملکرد اشخاص با قوانین و مقررات سنجیده شده تا از این طریق نسبت مطابقت نتایج عملکرد با هدف‌های مطلوب حاصل شود.

۱- انواع نظارت

به‌طور کلی نظارت به دو نوع تقسیم شده که در اینجا به اختصار به علت ارتباط با مباحث مطروحه اشاره می‌شود:

۱-۱. نظارت استطلاعی یا اطلاعی^۱: نظارت استطلاعی به نظارتی گفته می‌شود که ناظر موظف است تنها از وضعیتی که مجریان انجام می‌دهند اطلاع یابد، سپس بدون آنکه خود اقدام به عملی کند و نحوه اجرا را تایید یا رد نماید، اعمال نظر خود را برای هرگونه اتخاذ تصمیم به اطلاع مقام ذی صلاح برساند (مصباح یزدی، ۱۳۸۱: ۷۵). ناصر کاتوزیان نیز می‌نویسد: نظارت اطلاعی در موردی است که اعمال متولی تنها به اطلاع ناظر می‌رسد تا اگر خیانت، تقصیر و یا ناتوانی مشاهده کند به مقام‌های عمومی اطلاع دهد (کاتوزیان، ۱۳۶۹: ۲۴۱). لذا در نظارت اطلاعی ناظر حق صدور حکم یا دستوری را ندارد و در صورت صدور حکم، دستور او مطاع نیست و اعمال حقوقی بدون موافقت او نیز اعتبار دارد و ضمانت اجرایی برای اعمال مستقیم نظر او وجود ندارد. بنابراین نظارت استطلاعی نظارت ناقصی است که ضرورت دخالت مرجع دیگری را ایجاب می‌کند.

۲-۱. نظارت استصوابی^۲: در مقابل نظارت اطلاعی عنوان می‌شود و استصواب در لغت به معنای صوابدید می‌باشد. در این نوع نظارت اذن و موافقت ناظر شرط لازم در صحت عمل مجری است. نظارت استصوابی در جایی است که اعمال متولی بایستی به تصویب ناظر برسد، بدون اینکه ناظر بتواند پیشنهاد دهنده و مقدم باشد (کاتوزیان، ۱۳۶۹: ۲۴۱). مجری در نظارت استصوابی باید برای تمام امورش نظر مثبت ناظر را جلب کند و عدم تایید ناظر به منزله ابطال آن فعل و عدم مشروعیت حقوقی آن عمل است (هدایت‌نیا و کاویانی، ۱۳۸۰: ۱۸۸). به عبارت دیگر مقصود از نظارت استصوابی این است که ناظر علاوه بر کسب اطلاع، صوابدید هم می‌نماید، یعنی می‌تواند حکم یا دستور هم صادر نماید و حکم او نیز مطاع و نافذ باشد.

معمولاً نظارت بر انتخابات هم مرحله مراقبت و پیش‌گیری از وقوع تخلفات انتخاباتی و هم مرحله پیگیری شکایات و حل و فصل دعاوی انتخاباتی را شامل می‌شود. البته مراقبت و پیش‌گیری از وقوع تخلفات و رسیدگی به شکایات و دعاوی مراحل مختلف انتخابات ممکن است در هر کشور و حکومت به مراجع مختلفی واگذار شود. قانونگذار ایران نیز صلاحیت نظارت

1. Notification Supervision

2. Approval Supervision

_____ بررسی تطبیقی تنوع عملکرد کشورها در خصوص فرآیند نظارت بر انتخابات ریاست...

بر انتخابات سیاسی را به نهادی مستقل از نهاد مدیریت اجرایی انتخابات واگذار کرده است.^۱ (تقی‌زاده و کریم‌زاده، ۱۳۹۲: ۲۶) که در ادامه به معرفی آن خواهیم پرداخت.

۲- ویژگی‌های اساسی نهادهای نظارتی

نظارت بر انتخابات باید ویژگی‌هایی داشته باشد که در صورت عدم وجود این ویژگی‌ها، از مردم سالاری و سپردن حق تعیین سرنوشت سیاسی ملت به خودشان چیزی جز نوشته‌ای بر روی کاغذ و بی‌محتوا باقی نخواهد ماند. در مجموع برآیند نظریات حقوقدانان در خصوص نهاد ناظر و ویژگی‌هایی که این نهاد باید داشته باشد، خصوصا در مبحث نظارت بر انتخابات ریاست جمهوری را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد:

۱-۲. **استقلال در نظر و عمل:** در یک کشور چند حزبی یک نهاد ناظر تنها در صورتی اعتماد تمام احزاب را بدست خواهد آورد که استقلال آن از هر حزب و گروه و دولت وقت مبرهن و آشکار باشد. ساختار این مجموعه باید به گونه‌ای باشد که بتواند در برابر اعمال نفوذها از خود حمایت کند. در برخی از کشورها نظیر گینه نو و آفریقای جنوبی استقلال این مجموعه تضمین شده است. در کشور کاستاریکا نیز این مجموعه به عنوان شاخه چهارم حکومت ذکر گردیده است. در دیگر کشورها این مساله در قانون اساسی ذکر نگردیده، اما استقلال آن مورد ملاحظه و احترام قرار گرفته است (استرالیا، کانادا، بریتانیا). در اصل ۹۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران اینگونه آمده است: «شورای نگهبان نظارت بر انتخابات خبرگان رهبری، ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی و مراجعه به آرای عمومی و همه پرسی را بر عهده دارد». از لحاظ قانون اساسی، ایران در ردیف کشورهایایی قرار می‌گیرد که به مساله نظارت بر انتخابات در قوانین اساسی خود اشاره کرده است، ولی به استقلال این نهاد در قانون اساسی اشاره‌ای نشده است.

۲-۲. **بی‌طرفی در مقابل انتخاب‌کنندگان و انتخاب‌شوندگان:** بی‌طرفی به این معنا است که با استناد به دلایل غیرمرتبط، کسی از شمول یک قاعده حقوقی مستثنی نشود یا به دلایل غیرمرتبط، افراد غیرمشمول موضوع اجرای آن قاعده نگردند (قاری سید فاطمی، ۱۳۸۰: ۲۶۳).

۱. در برخی از قوانین انتخاباتی وظیفه مراقبت و پیش‌گیری از وقوع تخلفات انتخاباتی و احیانا رسیدگی به شکایات و بی‌گیری تخلفات به نهادهای برگزیده از بین مردم واگذار شده است. مثلا پس از پیروزی انقلاب اسلامی بر اساس مصوبات شورای انقلاب اسلامی بسیاری از رای گیری‌های سیاسی تحت نظارت انجمن نظارت (مردمی) برگزار شده‌اند. در مورد اولین انتخابات ریاست جمهوری نیز همانطور که در اصل ۱۱۸ قانون اساسی آمده است مسؤولیت نظارت قبل از تشکیل نخستین شورای نگهبان بر عهده انجمن نظارتی است که قانون معین می‌کند.

برای تضمین بی‌طرفی ناظران انتخابات لازم است معیارهای نظارت بر جریان انتخابات قاعده‌مند باشند و قواعد حقوقی به صورت عینی و قابل ارزیابی تعیین شوند. دستگاه ناظر نباید برایش مهم باشد که چه کسی در انتخابات پیروز می‌شود و چه کسی شکست می‌خورد. رفتار و عملکرد این نهاد باید به گونه‌ای باشد که افراد تنها بر اساس اطلاعات و آگاهی خویش رای دهند؛ یعنی عملکرد آن نباید به گونه‌ای باشد که افراد را به رای دادن به حزب یا شخص خاصی ترغیب نمایند، بعلاوه در اعلام نتایج انتخابات کاملاً بی‌طرفانه عمل نمایند. همچنین این دستگاه باید از افراد کاملاً بی‌طرف و مورد اعتماد تشکیل شده باشد. در بسیاری موارد معنای این گفته این است که افراد عضو این مجموعه عضو هیچ حزب یا گروهی نباشند. اگر یک دستگاه کاملاً بی‌طرف نمی‌تواند ایجاد گردد باید مجموعه‌ای برای این منظور ترتیب داده شود که نمایندگان تمام احزاب در آن حضور داشته باشند.

بنابراین از آنجا که شرطی همچون بی‌طرفی تا حدود زیادی به موقعیت، مشرب و منصب سیاسی و یا وضعیت شغلی افراد مورد نظر بستگی دارد لذا برای تحقق این امر شرایط ذیل برای احراز عضویت در شورای نگهبان و البته هر نهاد نظارتی ذینفع در انتخابات، ضروری و منطقی به نظر می‌رسد:

۲-۱-۲. منع جمع عضویت شورای ناظر با سایر مشاغل حکومتی و دولتی: داشتن هرگونه شغل رسمی دولتی و حکومتی تاثیرگذار و تاثیرپذیر در امر انتخابات برای اعضای شورای نگهبان ضرورتاً باید ممنوع باشد، در غیر این صورت اقتدار حاصله ناشی از مشاغل و سمت‌های دیگر بر نظارت و تصمیم‌گیری شورا، در حد انحراف از بی‌طرفی موثر خواهد بود (هاشمی، ۱۳۸۶: ۲۲۹). قانون اساسی ۱۹۵۸ فرانسه نیز به این امر مهم کاملاً توجه نموده است و در ماده ۵۷ خود تصدی مقام وزارت و عضویت پارلمان را برای اعضای شورای قانون اساسی ممنوع اعلام داشته است. علاوه بر این قانون ۱۹۹۵ ممنوعیت جمع میان عضویت شورای قانون اساسی با هر شغل انتخابی دیگر را بیان می‌دارد، البته شورای مذکور نماینده را مخیر به انتخاب بین شغل قبلی و نمایندگی می‌کند. تمرکز قدرت فساد انگیز است، اگر اجازه دهیم اعضای نهاد ناظر چند شغله باشند باعث تمرکز می‌شویم، که این امر خالی از اشکال نمی‌تواند باشد.

۲-۲-۲. منع وابستگی اعضای شورای ناظر به احزاب و گروه‌های سیاسی: نهادهای ناظر بر انتخابات به‌طور کلی، در مقام نظارت بر انتخابات و همه پرس‌نقش تعیین‌کننده‌ای در تایید

_____ بررسی تطبیقی تنوع عملکرد کشورها در خصوص فرآیند نظارت بر انتخابات ریاست...

یا رد صلاحیت داوطلبان و امر انتخابات دارد. اقتضای این چنین نظارتی بی طرفی کامل مقام ناظر می باشد. لذا هر نوع وابستگی این اعضا به احزاب و گروه‌های که در صحنه انتخابات به مبارزه مشغولند می تواند اعضای مذکور را در مقام نظارت، تحت تاثیر این وابستگی قرار دهد و محیطی مساعد برای طرفداران و نامساعد برای رقیبان فراهم آورد.

قواعد انتخاباتی در ایران بعضا به مساله بی طرفی اشاره نموده اند؛ به عنوان مثال در ماده ۹۳ قانون انتخاب ریاست جمهوری و ماده ۸۷ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی آمده است: در اجرای صحیح اصل ۹۹ قانون اساسی و حفظ بی طرفی کامل، ناظرین شورای نگهبان موظفند در طول مدت مسؤولیت خود، بی طرفی کامل را حفظ نمایند و ابراز جانبداری ناظرین به هر طریقی از یکی از کاندیداها جرم محسوب می شود. همانطور که در صدر ماده ۹۳ آیین نامه اجرایی قانون انتخابات مجلس خبرگان اشاره شده است که ناظرین شعب ثبت نام و اخذ رای حق مداخله یا اعمال نظر در انتخابات را ندارند.

۲-۳. حرفه‌ای بودن: حرفه‌ای بودن نهاد نظارتی به اندازه استقلال و بی طرفی آن حائز اهمیت است چراکه انجام بهینه این وظیفه منوط به تخصص و کارآمدی این نهاد می باشد. مردم مانند هر سازمان خدماتی دیگری به کیفیت خدمات این نهاد توجه دارند. قصور در انجام خدمات به دلیل رفتار غیر حرفه‌ای می تواند مردم را نسبت به بی طرفی و استقلال این نهاد دچار تردید سازد و نهایتا موجب کاهش مشارکت مردم در انتخابات آینده گردد. متولیان نظارت باید به اشخاص و احزاب اطمینان دهند که قوانین مربوط به انتخابات کاملا مراعات شده است و با همگان به گونه‌ای برابر و به دور از تبعیض برخورد می گردد. قوانین باید سعی کنند نگاهی کاملا حرفه‌ای و فنی به مساله تعیین اعضا داشته باشند و در تعیین اعضا از سیاسی کاری دوری شود.

۲-۴. پاسخگویی: جدال میان قدرت و آزادی پایان پذیر نیست. بدیهی است که در قدرت‌های شخصی مساله پاسخگویی به فرمانبران یا وجود ندارد یا بسیار کم رنگ است اما در قدرت‌های نهادی پاسخگویی دارای موقعیت برجسته‌ای است. هر نهادی که دارای قدرت تصمیم‌گیری باشد، در یک جامعه دموکراتیک لزوما باید پاسخگو هم باشد در غیر این صورت، رشد پیدا کرده و در جهت تحدید آزادی گام برخواهد داشت و اینجاست که حاکمیت قانون و سایر اصول دموکراسی در معرض خطر قرار می گیرند. از این رو متولیان نظارت بر انتخابات باید در قبال تصمیماتی که می گیرند پاسخگو باشند. از بطن پاسخگویی قابل اعتراض بودن تصمیمات

ناظران متولد می‌گردد، به عبارت دیگر تصمیمات دستگاه ناظر باید قابل شکایت و تجدید نظر باشد.

البته پاسخگویی نهاد ناظر لزوماً پاسخگویی به حکومت نیست، بنابراین ممکن است نهاد ناظر تنها به دادگاه پاسخگو باشد. از این رو در نظامی که نهاد ناظر به دادگاه پاسخگو است و مشمول نظارت قضایی قرار گرفته است، استقلال دادگاه پر اهمیت و ضروری است (Gerardo, 2002: 10). در نظام نظارت قضائی سطح واقعی پاسخگویی نهاد ناظر به استقلال دادگاهها بستگی کامل دارد، در واقع حتی اگر نوعی از استقلال ضمنی هم وجود داشته باشد، ممکن است نهاد ناظر بوسیله دادگاه منحل شود، همه این موارد بستگی به استقلال دستگاه قضائی و قوه قضائیه دارد، بنابراین چنانچه دستگاه قضائی و سیستم دادگاهها بی طرف یا کارآمد نباشد این امر ممکن است بر روند بی طرفی انتخابات لطمه جدی وارد کند (Eisenstadt, 2002: 14).

۳- اقسام نهادهای نظارت بر انتخابات عمومی

تجربه ایجاد قوه ناظر در کشورهای مختلف متفاوت است اما به طور کلی در این خصوص می‌توان به نهادهای رسمی و غیررسمی داخلی و همچنین نظارت بین‌المللی بر انتخابات اشاره کرد که به اختصار شرح داده می‌شود.

۳-۱. نهادهای رسمی ناظر بر انتخابات

منظور از نهادهای رسمی نهادهایی هستند که به نوعی وابستگی به یکی از قوای حکومتی داشته و طبق قانون موظف به نظارت بر انتخابات می‌باشند که در مجموع می‌توان آن‌ها را اینگونه تقسیم کرد:

۳-۱-۱. نظارت از طریق قوه مقننه: بدین معنی که نمایندگان مجالس مقننه، مشترکاً قضاوت در صحت انتخابات را بر عهده گیرند و با رای اکثریت، انتخابات را تایید یا ابطال می‌کنند. این امر معمولاً از طریق رسیدگی به اعتبارنامه نمایندگان و تصویب یا رد آن توسط نمایندگان پارلمان صورت می‌گیرد. کشورهای سوئیس، ایتالیا، ژاپن، بلژیک، دانمارک، رومانی، کانادا و نروژ از این شیوه استفاده می‌کنند. به عنوان مثال طبق اصل ۲۵ قانون اساسی رومانی پارلمان این کشور از دو مجلس با عنوان مجمع بزرگ ملی و شورای خلق تشکیل شده است و طبق اصل ۴۷ مجمع بزرگ ملی در صحت یا عدم صحت انتخاب هر نماینده تصمیم می‌گیرد. این مجمع قانونی بودن انتخاب هر نماینده را بررسی می‌نماید و نسبت به صحت یا ابطال انتخاب وی تصمیم می‌گیرد.

_____ بررسی تطبیقی تنوع عملکرد کشورها در خصوص فرآیند نظارت بر انتخابات ریاست...

۳-۱-۲. نظارت توسط یک نهاد یا سازمان بی طرف: که در مقام قوه ناظر بر انتخابات این وظیفه را بر عهده می‌گیرد و در صورت تخلف انتخابات را ابطال می‌کند. به‌عنوان مثال شورای قانون اساسی در فرانسه^۱ که طبق اصل ۵۸ قانون اساسی بر حسن اجرای قانون انتخابات ریاست جمهوری نظارت می‌کند، که این نظارت دربرگیرنده تمام مراحل انتخابات از ابتدا تا انتهاست^۲. در برخی از کشورها نیز شورایی موسوم به شورای عالی انتخابات، نظارت بر حسن اجرای انتخابات را بر عهده دارد که به عنوان نمونه می‌توان به ترکیه اشاره کرد.

۳-۱-۳. نظارت قضایی: بدین معنا که در برخی از کشورها دادگاه‌های عالی (نظیر دیوان کشور) و یا دادگاه‌های ویژه انتخابات را زیر نظر می‌گیرند و در صورت لزوم حکم ابطال انتخابات و یا صندوق‌های انتخاباتی را صادر می‌کنند (اطاعت، ۱۳۸۳: ۲۹)؛ مثلاً طبق بند ۳ ماده ۸۲ قانون اساسی قرقیزستان، قانونی بودن انتخابات ریاست جمهوری را دادگاه قانون اساسی بررسی می‌کند. این الگو همچنین در قوانین انتخاباتی کشورهایایی از جمله اتریش، فیلیپین، بلغارستان و سوریه نیز قابل مشاهده است.

۳-۲. نهادهای غیر رسمی ناظر بر انتخابات

نهادهای غیر رسمی ناظر بر انتخابات طیف وسیعی از ابزارها و تدابیر را شامل می‌شود که ماموریت اصلی آن‌ها مراقبت و حراست در خصوص سلامت انتخابات می‌باشد. اگرچه این نهادها و ابزارها، تکلیف قانونی یا قراردادی برای حفظ و حراست و پاسداری از انتخابات را ندارند، ولی بنابر یک عرف معمول و مناسب این نهادها برای سلامت انتخابات اقدام به نظارت می‌نمایند. در این خصوص می‌توان به این دو مورد اشاره کرد:

۳-۲-۱. جامعه مدنی: منظور از جامعه مدنی تمامی اجتماعات مدنی و گروه‌های متشکل اجتماعی خارج از دولت و نهادهای عمومی و احزاب سیاسی فعال است. امروزه به دلیل تمایل به جوامعی کردن امور اجتماع و حتی اموری که تا چندی پیش از اختیارات صرف دولت‌ها

۱. این شورا متشکل از ۹ نفر است که سه نفرشان از سوی رئیس جمهوری، سه نفر از سوی رئیس مجلس سنا و سه نفر هم از سوی رئیس مجلس نمایندگان تعیین می‌شوند و همه روسای جمهور قبلی نیز عضو بالاستحقاق این شورا هستند.
۲. در دوره‌های گذشته رسیدگی به شکایت‌ها و اعتراض‌ها در خصوص انتخابات مجلس ملی و مجلس سنا در فرانسه با استفاده از مکانیسم تصویب اعتبار نامه‌ها برعهده خود این مجالس بوده است، ولی قانون اساسی ۱۹۸۵ م این صلاحیت را به شورای قانون اساسی واگذار کرده است.

محسوب می‌شدند جامعه مدنی نقش و کارایی بیشتری پیدا کرده است. یکی از کارکردهای موثر جامعه مدنی می‌تواند نظارت بر سلامت انتخابات باشد. به عنوان مثال می‌توان به بنیاد انتخابات آزاد و عادلانه افغانستان موسوم به فیفا اشاره کرد. این بنیاد یک سازمان غیر انتفاعی و بی طرف بوده که توسط یک تعداد نهادهای جامعه مدنی در سال ۲۰۰۴ میلادی تاسیس گردیده است؛ که با هدف نهادینه شدن دموکراسی در کشور، از طریق نظارت بر آزاد و عادلانه بودن انتخابات، بالا بردن سطح مشارکت مردم در انتخابات و تقویت سطح اعتماد بر پروسه‌های سیاسی کشور فعالیت می‌کند (www.fefa.org.af). همچنین می‌توان به بنیاد انتخابات شفاف افغانستان موسوم به تیفا اشاره کرد که در سال ۲۰۰۹ میلادی که به عنوان یک نهاد مستقل مدنی با هدف حصول اطمینان از شفافیت و مشروعیت انتخابات، تشکیل شده است (www.tefa.org.af)

۲-۲-۳. رسانه‌ها: ویژگی دنیای امروزی غلبه ارتباطات و اطلاعات بر سایر شئون است. بنابراین رسانه‌ها به عنوان یکی از مهمترین ابزارهای انتقال اخبار و اطلاعات می‌توانند نقش مهمی در حفظ سلامت انتخابات داشته باشند. حضور رسانه‌ها در زمان انتخابات می‌تواند ضریب امنیت انتخابات را افزایش دهد. بطور کلی سه وظیفه عمده برای رسانه‌ها در آستانه انتخابات می‌توان تصور نمود: وظیفه نقد و نظارت، وظیفه اطلاع رسانی شفاف و صادقانه، وظیفه طرح و تبادل آرا و افکار در جامعه.

۴- نظارت بین‌المللی بر انتخابات

نظارت بین‌المللی^۱ بر انتخابات طیف وسیعی از تدابیر را دربرمی‌گیرد که می‌تواند به عنوان یک روش در حفظ سلامت انتخابات در برخی از کشورهایی که درخواست می‌کنند مفید و موثر باشد. این نظارت می‌تواند توسط کشورهای دیگر، سازمان‌های بین‌المللی و... صورت پذیرد. به عنوان مثال به درخواست حکومت یک کشور، سازمان ملل متحد بازرسی انتخابات را به عهده گیرد. در این صورت هرچند جریان انتخابات توسط نهادی ملی اداره می‌شود لیکن از ملل

۱. لازم به ذکر است این نوع نظارت فقط در پاره ای از کشورها که وضعیت بحرانی داشته و گروه‌ها و احزاب در تنش و تعارض شدید با هم به سر می‌برند و یا دارای زیرساخت‌های نظارتی ضعیف بوده و در ضمن درخواست نمایند قابل استناد می‌باشد. برای مثال می‌توان در این مورد به نامیبیا و در راستای استعمار زدایی که در آن تمام اقدامات تشریفاتی، سیاسی و انتخاباتی مستلزم تایید ملل متحد بود اشاره کرد. این نظارت شامل ارزیابی و احراز عدم جانبداری مقامات انتخاباتی، آزادی سازماندهی و بیان احزاب سیاسی، وجود ناظران احزاب سیاسی در جریان انتخابات و دسترسی منصفانه به رسانه‌ها می‌باشد.

_____ بررسی تطبیقی تنوع عملکرد کشورها در خصوص فرآیند نظارت بر انتخابات ریاست...

متحد خواسته می‌شود که بر آزادانه و منصفانه بودن جنبه‌های معین یا مراحل مختلف انتخابات نظارت کند. به‌طور مثال در سال ۱۹۸۹ دبیر کل سازمان به درخواست دولت نیکاراگوئه ناظرانی را برای نظارت بر کار شورای عالی انتخاباتی آن کشور اعزام داشت. البته در این رابطه بسیاری از کشورها به مخالفت پرداخته و این امر را برخلاف حاکمیت کشورها دانستند. به همین جهت این دخالت مستلزم صدور مجوزی خاص از جانب مجمع عمومی است از این رو سازماندهی انتخابات، نظارت و حتی بازرسی انتخابات در زمره فعالیت‌های استثنایی ملل متحد جای می‌گیرند (گای اس، ۱۳۶۸: ۲۷).

همچنین در این رابطه می‌توان به اقدامات اتحادیه بین‌المجالس اشاره نمود. اتحادیه بین‌المجالس در چارچوب تعهدات خویش به توسعه و تحکیم نهادهای برگزیده مردم چه از رهگذر اعمال حق خویش و یا به‌طور غیرمستقیم از طریق اعضای پارلمان‌ها به نحوی فزاینده به نظارت انتخاباتی مبادرت کرده است. مثلاً به عنوان بخشی از حمایت‌های خویش از پارلمان‌ها، هشتاد و دومین کنفرانس اتحادیه بین‌المجالس، آشکارا از تصمیم اعزام هیات ناظر اتحادیه برای ارزیابی و تایید قانونی بودن انتخابات نامیبیا در سال ۱۹۸۹ پشتیبانی کرد. ماموریت هیات این بود که احراز نماید که تمام نامیبیایی‌های واجد حق رای به درستی ثبت نام شده باشند و در فهرست‌ها دخل و تصرف نشده باشد و نظارت کند که آیا همه افرادی که ثبت نام شده‌اند توانسته‌اند آزادانه رای دهند و آرای آن‌ها به نحوی مناسب و منصفانه شمارش شده است. همچنین تحقیق کند که آیا در طول مبارزات انتخاباتی و خود انتخابات اطلاعات به نحوی آزادانه به مردم و از آن‌ها به دیگران منتقل شده است تا از وجود بهترین شرایط ممکن برای توانایی رای دادن اطمینان حاصل شود (گای اس، ۱۳۶۸: ۳۳). همچنین در این خصوص می‌توان به انتخابات ریاست جمهوری تاجیکستان اشاره کرد که در آن کمیسیون مرکزی انتخابات از نهادهای بین‌المللی درخواست کرد که بر انتخابات این کشور نظارت کنند. در راستای این درخواست، هیات‌هایی از سازمان امنیت و همکاری اروپا، سازمان همکاری شانگ‌های، دبیرخانه جامعه کشورهای همسود، و همچنین هیات‌هایی از کشورهای خارجی ثبت نام کردند تا بر روند انتخابات این کشور نظارت داشته باشند (www.avapress.com). البته شایان ذکر است که نظارت بین‌المللی بر انتخابات در گذر زمان تکامل یافته و به نوعی امروزه در حال جهانی شدن است.

گفتار دوم: معرفی تنوع مراجع ناظر بر انتخابات در کشورهای مختلف

به طور کلی در یک بررسی تطبیقی، عموماً نظارت بر انتخابات در کشورهای جهان را می‌توان در چهار دسته اصلی تقسیم بندی کرد، که هر یک سازوکار مخصوص به خود را دارند. در این قسمت سعی می‌کنیم ضمن معرفی این چهار روش متداول، به معرفی قوانین کشورهای که از این شیوه‌ها استفاده می‌کنند نیز، پرداخته باشیم:

۱- نظارت توسط ارگان قضائی

در بسیاری از کشورهای دموکراتیک جهان، نظارت بر صحت انتخابات توسط ارگان‌های قضائی صورت می‌گیرد که این امر عموماً به یکی از دو نهاد نام برده شده در ذیل سپرده شده است:

۱-۱. دادگاه قانون اساسی

آنچه در بحث نظارت توسط یک ارگان قضائی بر انتخابات ریاست جمهوری، در کشورهای مختلف عمومیت دارد، نظارت توسط دادگاه قانون اساسی است. در این راستا می‌توان به کشورهای زیر اشاره نمود:

اتریش: در کشور اتریش دادگاه قانون اساسی که اعضای آن با پیشنهاد هیأت دولت و با حکم رئیس جمهور و دیگران به وسیله مجلس ملی و شورای فدرال انتخاب می‌شوند، بر صحت انتخابات نظارت دارند.

فیلیپین: در فیلیپین که دارای نظام دو مجلسی است، هر یک از دو مجلس، دادگاه قانون اساسی مخصوص خود را دارند. هر دادگاه از ۹ نفر قاضی عالی رتبه تشکیل می‌شود. ۳ نفر قاضی از دیوان عالی کشور و دیگران از حزب اکثریت و اقلیت هر کدام ۳ نفر معرفی می‌کنند. از ۳ قاضی هر کدام که سابقه بیش‌تری دارد به ریاست دادگاه برگزیده می‌شود (مدنی، ۱۳۷۹: ۱۸۶). دادگاه قانون اساسی وظیفه‌ی نظارت بر انتخابات و مصوبات مجلس را دارد.

بلغارستان: مطابق ماده‌ی ۶۶ قانون اساسی بلغارستان، هرگاه صحت انتخابات مورد تردید باشد، موضوع می‌تواند طبق قانون به دادگاه قانون اساسی احاله گردد (مدنی، ۱۳۷۹: ۲۴۶).

_____ بررسی تطبیقی تنوع عملکرد کشورها در خصوص فرآیند نظارت بر انتخابات ریاست...

سوریه: مطابق اصل ۶۲ قانون اساسی سوریه، در صورتی که طبق تحقیق و گزارش دادگاه عالی قانون اساسی، صحت انتخابات مربوط به نماینده‌ای مخدوش باشد، مراتب ظرف یک ماه به وی ابلاغ و از کار برکنار می‌شود.

آلمان: طبق قانون اساسی آلمان، رسیدگی به صحت انتخابات به ویژه از راه تصویب اعتبارنامه‌های نمایندگان، همچنین سلب مصونیت و عزل آن‌ها از سمت نمایندگی از اختیارات مجلس نمایندگان می‌باشد. هرگاه به تصمیم‌های مجلس یاد شده در این موارد، یعنی تأیید یا رد اعتبارنامه‌ی نماینده یا نمایندگانی و یا سلب مصونیت و عزل وی یا آن‌ها اعتراضی وجود داشته باشد، رسیدگی به آن از اختیارات دادگاه قانون اساسی است (هریسی نژاد، ۱۳۸۷: ۹۶-۹۵).

قرقیزستان: طبق بند ۳ ماده‌ی ۸۲ قانون اساسی قرقیزستان، قانونی بودن انتخابات ریاست جمهوری را دادگاه قانون اساسی انجام می‌دهد (کولایی، ۱۳۷۷: ۱۵۷).

۲-۱. دیوان عالی کشور

در برخی از کشورها دیوان عالی کشور به عنوان یک نهاد قضائی ضامن صحت انتخابات می‌باشد. در کشورهای دیگر نیز چنین نهادهای مشابهی وجود دارد. به عنوان مثال در قانون اساسی انگلستان مسؤولیت تشخیص مابینت قانون عادی (که ارگان ناظر را تعیین می‌کند) با قانون اساسی بر عهده دیوان عالی است که البته در این کشور این دیوان شعبه‌ای از هیات قانونگذاری محسوب می‌شود. یکی از بارزترین نمونه‌های این نوع نظارت توسط یک ارگان قضائی کشور جمهوری نیجر می‌باشد. رئیس جمهور در این کشور رئیس حکومت است و نماد وحدت ملی است و از طریق همه پرسی مستقیم، یکسان، آزاد، مستقیم و با رای مخفی مردم برای دوره‌ای پنج ساله انتخاب می‌شود. هر فردی که اصالتاً دارای ملیت نیجری و دارای حداقل ۴۰ سال و برخوردار از حقوق مدنی و سیاسی باشد، دارای صلاحیت انتخاب شدن به عنوان رئیس جمهور است. قانون عادی شرایط انتخاب شدن، معرفی نامزدها، برگزاری انتخابات، شمارش آرای نامزدها و اعلام نتایج را بیان می‌کند. دیوان عالی کشور بر حسن اجرای عملیات مزبور نظارت و نتایج را اعلام می‌نماید (اصل ۳۷ قانون اساسی نیجر). همچنین دیوان عالی کشور در مورد صلاحیت نامزدها و همچنین صحت برگزاری انتخابات اظهار نظر می‌نماید (اصل ۶۵ قانون اساسی نیجر) مطابق با اصل ۱۰۱ قانون اساسی این کشور، دیوانعالی بالاترین مرجع

قضایی کشور محسوب می‌شود که این دیوان دارای چهار محکمه به شرح ذیل است: محکمه قانون اساسی، محکمه قضایی، محکمه اداری، محکمه محاسبات و تنظیم بودجه. به طور کلی در فرآیند برگزاری و نظارت بر انتخابات در جمهوری نیجر دیوان عالی کشور نقش اساسی دارد و اعتراضات را بررسی، در مورد دعاوی مربوط به انتخابات ریاست جمهوری و مجلسین نظر خود را بیان و نتایج انتخابات را اعلام می‌کند. دیوان همچنین نظر خود را در مورد صحت همه‌پرسی بیان و نتایج آن نیز اعلام می‌نماید.

۲- نظارت توسط ارگان تقنینی

هرچند در بسیاری از کشورها نظارت بر انتخابات توسط خود مجلس انجام می‌پذیرد، اما بر رسیدگی به اعتبارنامه‌های نمایندگان توسط خود مجلس ایراد وارد شده که رسیدگی به اعتبارنامه‌های نمایندگان مجلس چه از حیث واجد بودن شرایط انتخابات و چه از نظر مطابقت عملیات انتخاباتی با مقررات قانونی، یک امر قضایی است. از این رو با توجه به اصل تفکیک قوا، مجالس مقننه اصولاً صلاحیت این کار را نداشته و فقط مقام‌های قضایی هستند، که می‌توانند این وظیفه را انجام دهند. با این وجود در اکثر ممالک از جمله کشورهای بلژیک و سوییس هر یک از مجالس مقننه، اعتبارنامه‌های اعضای خود را مورد رسیدگی قرار داده و آن‌ها را تصویب یا رد می‌نمایند.

آلمان: در آلمان به موجب ماده‌ی ۳۱ قانون اساسی ۱۹۱۹م، رسیدگی به اعتبارنامه‌های اعضای مجلس رایش‌تاک به یک دادگاه مختلط مرکب از چند نفر نماینده‌ی مجلس رایش‌تاک و چند نفر عضو دادگاه اداری واگذار گردیده بود. نمایندگان را خود رایش‌تاک برای تمام دوره‌ی تقنینی و قضات را رییس جمهور انتخاب می‌نمودند. برای اخذ تصمیم، موافقت سه نفر نماینده‌ی رایش‌تاک و دو نفر قاضی لازم و ضروری بود (قاسم‌زاده، ۱۳۳۶: ۲۲۵-۲۲۴).

ژاپن: طبق اصل ۴۲ قانون اساسی ژاپن، پارلمان این کشور از دو مجلس، یعنی مجلس نمایندگان^۱ و مجلس مشاوران^۲ تشکیل یافته است. تأیید انتخابات افراد منتخب و تصویب اعتبارنامه‌آن‌ها بر عهده مجلس مربوطه و با اکثریت ساده آرای حاضرین می‌باشد. سلب نمایندگی از آنان نیز به همین ترتیب، اما با اکثریت دو سوم آرای حاضرین امکان پذیر است. در اصل ۵۵ قانون اساسی ژاپن در این زمینه آمده است: قضاوت در مورد صلاحیت اعضای هر کدام

1. Chambre des Representants

2. Chambre des Conseillers

_____ بررسی تطبیقی تنوع عملکرد کشورها در خصوص فرآیند نظارت بر انتخابات ریاست...

از مجالس به عهده‌ی همان مجلس خواهد بود. محروم کردن هر یک از نمایندگان از سمت نمایندگی، باید به تصویب حداکثر دو سوم از نمایندگان حاضر در جلسه برسد.

نروژ: طبق اصل ۴۹ قانون اساسی نروژ، پارلمان یا مجلس بزرگ که مرکب از مجلس اعلی^۱ و مجلس سفلی^۲ می‌باشد و اصل ۶۴ نیز تأکید دارد: به نمایندگان منتخبی اعتبارنامه اعطا خواهد شد که توسط مجلس مورد بررسی و تصویب قرار خواهند گرفت.

آمریکا: مجلس نمایندگان، خود صلاحیت رسیدگی به صحت یا عدم صحت انتخابات نمایندگان و تعیین شرایط انتخاب شدن را دارد (عالیخانی، ۲۱۰:۱۳۸۱). البته در آمریکا هیات‌های خاصی وجود دارد که وظیفه نظارت بر انتخابات را بر عهده دارند. این هیات‌ها تحت نظارت و هدایت کمیسیون انتخاباتی فدرال عمل می‌کنند. اعضای این هیات‌ها نمایندگان احزاب هستند که مهمترین وظیفه آنان بررسی و تأیید دارا بودن صلاحیت رأی دهندگان برای رأی دادن و حفاظت از آراء به منظور جلوگیری از دستبرد است. این داوران از هر گونه مشارکت سیاسی که به منزله تبلیغ به نفع یکی از کاندیداها باشد ممنوع شده‌اند چرا که نظارت آنان باید به دور از هرگونه جانبداری باشد.

مصر: طبق اصل ۸۹ قانون اساسی مصر، رأی‌گیری با نظارت اعضای یک ارگان قضایی صورت می‌گیرد. برای رسیدگی به اعتبارنامه‌ی نمایندگان، تنها ارگان صالح خود مجلس است (ظفری، ۳۶۷:۱۳۸۱-۳۶۶).

کانادا: پارلمان کانادا از دو مجلس یعنی مجلس عوام و مجلس سنا تشکیل شده است. از مهم‌ترین اختیارات مجلس عوام کانادا، اختیار تأسیسی یعنی امکان تغییر و اصلاح بخش‌های انعطاف‌پذیر قانون اساسی، تأیید اعتبارنامه‌ی نمایندگان و برکناری آن‌ها می‌باشد (هریسی نژاد، ۱۳۸۷: ۱۲۰).

تاجیکستان: در تاجیکستان یک کمیسیون مرکزی انتخابات که زیرمجموعه مجلس قانونگذار است و از طرف یک این نهاد تقنینی عالی برگزیده می‌شود بر پروسه انتخابات این کشور نظارت می‌کند. این کمیسیون دارای اختیارات وسیع و گسترده‌ای بر تمامی مراحل انتخابات دارد و به نوعی خود نیز تحت نظارت مجلس عالی این کشور بر جریان انتخابات ریاست جمهوری این

1.Lagting

2.Odelsting

کشور نظارت می‌کند. مجلس عالی، قانونگذار و وضع‌کننده قانون در جمهوری تاجیکستان است. اعضای مجلس عالی به مدت ۵ سال انتخاب می‌شوند. سن اعضای مجلس از ۲۵ سال نباید پایین‌تر باشد. تشکیل و نحوه فعالیت مجلس عالی را قانون معین می‌کند (اصل ۴۸ قانون اساسی تاجیکستان). صلاحیت‌های مجلس عالی شامل: وضع قانون و تغییر و یا اصلاح و یا لغو آن، تفسیر قانون اساسی و قوانین عادی، تعیین خط‌مشی اساسی سیاست داخلی و خارجی جمهوری تاجیکستان، تأسیس کمیسیون مرکزی انتخابات و همه‌پرسی، آماده نمودن طرح قوانین و دیگر مسائل مهم دولتی برای همه‌پرسی، تعیین انتخابات رئیس‌جمهور، تعیین انتخابات مقامات عالی و محلی نمایندگان، قبول تشکیل و انحلال وزارت و کمیته‌های دولتی، تصدیق و قبول افرادی که به عنوان نخست‌وزیر، معاون اول، وزیران و رؤسای کمیته‌های دولتی معرفی شده‌اند و... می‌باشد.

۳- نظارت توسط ارگان اجرایی

در برخی از کشورها این وزارت کشور است که به عنوان یک ارگان اجرایی وظیفه‌ی نظارت بر صحت انتخابات را بر عهده دارد:

انگلستان: در انگلستان، نخست‌وزیر، وزیر کشور را تعیین می‌کند و وزارت کشور، طبق قانون، مسؤولیت نظارت عالی بر بررسی و تأیید و رد صلاحیت‌های نامزدهای نمایندگی مجلس را بر عهده دارد (بوشهری، ۱۵۰: ۱۳۸۰). البته در کنار آن در خصوص اعتبارنامه‌های منتخبین باید بگوییم که در انگلستان چند نفر از اعضای دیوان عالی که به حکم قرعه انتخاب می‌شوند، اعتبارنامه‌های مجلس عوام را مورد رسیدگی قرار داده، گزارشی دائر بر تصویب یا عدم تصویب آن‌ها به مجلس تقدیم می‌کنند و مجلس نیز گزارش هیأت قضایی را بدون بحث تأیید می‌نماید. اما برخلاف ترتیب معمول سایر ممالک، در انگلستان اعتبارنامه‌های نمایندگانی بررسی می‌شود که انتخاب آن‌ها مورد اعتراض است، وگرنه انتخاب شده بدون تصویب اعتبارنامه، نماینده شناخته می‌شود.

فرانسه: طبق قانون اساسی جمهوری پنجم فرانسه پس از اصلاحات ۱۹۶۲م وزارت کشور نظارت بر بررسی صلاحیت نامزدهای ریاست جمهوری و نمایندگی مجلس را بر عهده گرفت. کسانی به انتخابات راه می‌یابند که وزارت کشور در نهایت صلاحیت آن‌ها را تأیید کند (بوشهری، ۱۳۸۰: ۳۷-۳۴).

_____ بررسی تطبیقی تنوع عملکرد کشورها در خصوص فرآیند نظارت بر انتخابات ریاست...

۴- نظارت توسط یک نهاد سیاسی خاص

برخی از کشورها منفعت و سود جمعی را در این دیده‌اند که این وظیفه خطیر را به یک نهاد سیاسی خاص بسپارند. در این روش معمولاً با تشکیل یک شورای خاص یا یک نهاد سیاسی مختلط، که اعضای آن توسط ارگان‌های مختلف حکومتی انتخاب می‌شوند، به وظیفه نظارت بر انتخابات ریاست جمهوری پرداخته می‌شود.

در این خصوص می‌توان به فرانسه که خود یکی از الگوهای نظام‌های حقوقی دیگر کشورها نیز به حساب می‌آید اشاره کرد. طبق اصل ۵۸ قانون اساسی فرانسه، شورای قانون اساسی بر حسن اجرای قانون انتخابات ریاست جمهوری نظارت می‌کند. این شورا به اعتراض‌ها رسیدگی کرده و نتایج انتخابات را اعلام می‌نماید. در دوره‌های گذشته رسیدگی به شکایت‌ها و اعتراض‌ها در خصوص انتخابات مجلس ملی و مجلس سنا با استفاده از مکانیسم تصویب اعتبارنامه‌ها برعهده خود این مجالس بوده است. قانون اساسی ۱۹۵۸م، این صلاحیت را به شورای قانون اساسی واگذار کرده است (اصل ۵۹ قانون اساسی فرانسه). شورا پس از بررسی و رسیدگی می‌تواند بر حسب مورد، شکایت را رد کند؛ انتخابات را باطل نماید و یا این که نتایج اعلام شده را اصلاح کند. به موجب اصل ۵۸ قانون اساسی، شورای قانون اساسی نظارت بر صحت انتخابات، رسیدگی به اعتراض‌ها و اعلام نتایج انتخابات ریاست جمهوری را بر عهده دارد. بنابراین، این نظارت در برگیرنده‌ی تمام مراحل انتخابات از ابتدا تا انتها است و اقدام به آن نیاز به طرح شکایت از طرف افراد ذی‌نفع ندارد، هر چند که از این رهگذر نیز شورا می‌تواند در موضوع وارد شود.

در برخی از کشورها نیز شورایی موسوم به شورای عالی انتخابات یا کمیسیون با این نام، وظیفه نظارت بر حسن اجرای انتخابات را بر عهده دارد، در این راستا می‌توان به این موارد اشاره کرد:

ترکیه: طبق ماده ۶۷ قانون اساسی ترکیه، انتخابات و همه‌پرسی‌ها تحت سرپرستی و هدایت قوه‌ی قضاییه و بر اساس آزادی، برابری، مستقیم و مخفی بودن آرا صورت می‌گیرد. ماده‌ی ۷۹ نیز بیان می‌دارد: انتخابات تحت اداره‌ی عمومی و نظارت ارگان‌های قضایی انجام می‌شوند. شورای عالی انتخابات تمامی اقدام‌های اجرایی را به منظور تضمین برگزاری مناسب و منظم انتخابات از آغاز تا پایان به انجام رسانده، تحقیق و تصمیم درباره‌ی شکایت‌های رسیده در مورد تخلف‌های قبل و بعد از رأی‌گیری و تعیین انتخاب مجدد اعضای مجلس اعلا‌ی ملی ترکیه را

اتخاذ می‌نماید. هیچ اعتراضی از سوی هیچ مقامی به تصمیم شورای عالی انتخابات وارد نیست. شورای عالی انتخابات مرکب از ۷ عضو اصلی و ۴ عضو علی‌البدل است. ۷ نفر از اعضای آن توسط مجلس عمومی دادگاه عالی استیناف انتخاب شده و ۵ نفر دیگر توسط مجلس عمومی شورای ایالتی که با رأی مخفی و با داشتن اکثریت مطلق از بین اعضای خود انتخاب می‌گردند (مدنی، ۱۳۷۹:۴۱۱).

کره جنوبی: در خصوص نظارت مختلط بر انتخابات ریاست جمهوری توجه به قوانین کره جنوبی می‌تواند دربردارنده نکات مفیدی باشد. در این کشور کمیسیون برگزاری انتخابات به منظور برگزاری عادلانه انتخابات و همه‌پرسی‌های ملی و نظارت بر امور اداری احزاب سیاسی تشکیل می‌شود. این کمیسیون مرکزی برگزاری انتخابات مرکب است از: سه عضو منصوب توسط رئیس‌جمهور و سه عضو به انتخاب مجلس ملی و سه عضو دیگر که رئیس دیوان عالی کشور تعیین می‌نماید. ریاست کمیسیون از بین اعضای مزبور انتخاب می‌شود و مدت مأموریت اعضای کمیسیون شش سال است. اعضای کمیسیون نبایستی به احزاب سیاسی وابستگی داشته و یا حق شرکت در هیچ فعالیت سیاسی را ندارند. هیچ عضو کمیسیون را نمی‌توان از خدمت اخراج نمود مگر در صورت استیضاح و یا محکومیت به حبس بدون اعمال شاقه یا مجازات سنگین‌تر. این کمیسیون در حدود اختیارات قانونی خود حق وضع مقررات مربوط به برگزاری انتخابات، همه‌پرسی ملی، امور اداری مربوط به احزاب سیاسی و هم چنین نظم داخلی را مطابق قوانین دارد. تشکیلات، وظایف و سایر موضوعات مربوط به کمیسیون‌های برگزاری انتخابات در هر سطح را قانون معین می‌نماید (اصل ۱۱۴ قانون اساسی کره).

کمیسیون‌های برگزاری انتخابات در هر سطحی می‌توانند دستورالعمل‌های لازم را به سازمان‌های اداری مربوط در مورد امور اداری راجع به انتخابات و همه‌پرسی‌های ملی از قبیل تهیه و تدارک فهرست اسامی رأی‌دهندگان صادر نمایند. سازمان‌های اداری مربوط موظف به رعایت این دستورالعمل‌ها پس از دریافت آن‌ها می‌باشند (اصل ۱۱۵ قانون اساسی کره). **افغانستان:** قوانین جدید افغانستان در این خصوص ابتکار عملی جالبی داشته‌اند، زیرا که علاوه بر تبیین وظایف نظارتی برای ارگان‌های حکومتی، اقدام به تشکیل یک سری نهادهای مدنی و غیردولتی خاص نیز برای نظارت بر انتخابات کرده‌اند. طبق ماده هفتم قانون اساسی افغانستان، در وهله اول جریان انتخابات توسط کمیسیون مستقل انتخابات اداره می‌شود، و طبق ماده هشتم: کارکنان انتخابات به سطح کشور، ولایت و ولسوالی برای اجرای انتخابات آزاد و عادلانه

_____ بررسی تطبیقی تنوع عملکرد کشورها در خصوص فرآیند نظارت بر انتخابات ریاست...

بر اساس رهنمودی که از طرف کمیسیون مستقل انتخابات وضع شده، توسط دبیرخانه استخدام می‌گردند. مطابق با ماده نهم قانون اساسی: کارکنان انتخابات مکلفند وظایف محوله را بی‌طرفانه و غیرجانبدارانه انجام داده و در اجرای وظایف نمی‌توانند از هیچ مقام و اداره دولتی و غیردولتی بجز از رییس دبیرخانه کمیسیون مستقل انتخابات هدایت حاصل کنند. کارکنان انتخابات قبل از اشغال وظیفه مکلفند به حفظ محرمانیت مراکز رای دهی و شمارش آراء حسب تجویز کمیسیون مستقل انتخابات رسماً تعهد کنند. علاوه بر کمیسیون مستقل انتخابات که یک نهاد حکومتی دولتی است، نباید از نقش نهادهای غیردولتی بر روند نظارت بر انتخابات نیز غافل شد که در این خصوص می‌توان به این موارد اشاره کرد:

۱. بنیاد انتخابات آزاد و عادلانه افغانستان (فیفا): این بنیاد یک اداره و سازمان معتبر ملی، غیر انتفاعی و بی‌طرف بوده که توسط تعدادی از نهادهای جامعه مدنی در سال ۲۰۰۴ میلادی تاسیس شده است. بنیاد با هدف نهادینه شدن دموکراسی در کشور، از طریق نظارت آزاد و عادلانه بودن انتخابات و بالا بردن سطح مشارکت مردم در پروسه انتخابات و تقویت اعتماد عمومی بر جریانه‌های سیاسی در کشور فعالیت می‌کند (www.fefa.org.af). این بنیاد در حال حاضر بزرگترین و موثرترین سازمان داخلی غیرحکومتی ناظر بر انتخابات افغانستان محسوب می‌شود که تأثیرات بسزایی در روند انتخابات داشته است.

۲. بنیاد انتخابات شفاف افغانستان (تیفا): بنیاد انتخابات شفاف افغانستان در سال ۲۰۰۹ میلادی، به عنوان یک نهاد مستقل نظارت بر انتخابات تاسیس شد که هدف از آن نظارت بر پروسه‌های انتخاباتی به منظور حصول اطمینان از شفافیت و مشروعیت انتخابات می‌باشد. نبود فعالیت گسترده نظارت انتخاباتی از طرف سازمان‌های داخلی، به عنوان یک چالش حل نشده در انتخابات‌های گذشته این کشور باقی مانده بود. از این رو بنیاد انتخابات شفاف، به خاطر پر کردن این خلا از طریق تشویق مشارکت فعالانه نهادهای جامعه مدنی در هر مرحله از روند انتخابات، ایجاد گردیده است (www.tefa.org.af).

۳. مجتمع جامعه مدنی افغانستان (مجما): این مجتمع با همکاری بنیاد صلح سوئیس بر اساس درخواست ۷۶ تن از فعالین جامعه مدنی در اولین کنفرانس جامعه مدنی افغانستان در آلمان در تاریخ ۲۰۰۱ میلادی تاسیس شد. در این کنفرانس، نمایندگان جامعه مدنی افغانستان برای ایجاد یک مجتمع جهت راه‌اندازی گفتمان میان نهادهای جامعه مدنی و سهم‌گیری جامعه مدنی برای بازسازی آینده افغانستان به توافق رسیدند که در نتیجه آن منجر به تاسیس این

مجتمع شد. مجمع در پروسه تهیه و تصویب قانون اساسی افغانستان و انتخابات ریاست جمهوری، پروژه‌های آگاهی عمومی را راه‌اندازی کرده است (www.acsf.af).
۴. همچنین می‌توان در این زمینه به نهادهای بین‌المللی اشاره کرد که برای حمایت از تقویت پروسه‌های انتخاباتی افغانستان، که هم از طریق اعزام هیات‌های بین‌المللی نظارت بر انتخابات و هم از رهگذر حمایت از اقدامات داخلی برای اصلاحات انتخاباتی فعالیت می‌کنند، اشاره کرد. از جمله آنان می‌توان دموکراسی انترنشنل (di) و بنیاد بین‌المللی نظام‌های انتخاباتی (ifes) اشاره کرد.

گفتار سوم: بررسی شیوه نظارت بر انتخابات ریاست جمهوری در ایران

قانون اساسی ایران شرایط خاصی را برای منصب ریاست جمهوری در نظر گرفته است از جمله: رجال مذهبی و سیاسی، ایرانی الاصل، تابع ایران، مدیر و مدبر، دارای حسن سابقه، امانت، تقوا، مومن و معتقد به مبانی جمهوری اسلامی ایران و مذهب رسمی کشور؛ از این رو احراز صلاحیت افراد برای نامزدی انتخابات ریاست جمهوری یکی از مسائل مهم و تعیین کننده در این زمینه است. ارجاع امر تشخیص صلاحیت نامزدهای ریاست جمهوری به قوه مقننه یا قضائیه نوعی اعمال نفوذ در قوه مجریه و نتیجتاً منافی با اصل تفکیک و استقلال قوا خواهد بود. بنابراین باید صلاحیت داوطلبان ریاست جمهوری توسط نهادهای مستقل و مورد اطمینان که مرجع در مسائل اساسی و قانون اساسی است مورد بررسی قرار گیرد. احراز صحیح این شرایط و مراعات مقررات فوق در مسؤولیت نهادهای می‌تواند باشد که از دو درجه اسلامی و سیاسی در حکومت اسلامی برخوردار باشد و جریان انتخابات را از نفوذ قوای عمومی خارج کند (عمید زنجانی، ۱۳۹۱: ۴۱۵). به همین دلیل است که در بند ۴ از اصل ۱۱۰ قانون اساسی این گونه عنوان شده است که: صلاحیت داوطلبان ریاست جمهوری از جهت دارا بودن شرایطی که در قانون اساسی آمده باید قبل از انتخابات به تایید شورای نگهبان و در دوره اول انتخابات ریاست جمهوری به تایید رهبر برسد.

در حقیقت در حکومت اسلامی ایران بدیل خصیصه اسلامی بودن حکومت، شورای نگهبان کاری را به نمایندگی از رهبر انجام می‌دهد که ذاتاً از مسؤولیت‌های رهبری و از شئون ولایت امر و اختیارات ولی فقیه است. در جمهوری اسلامی ایران رئیس جمهور دارای اختیاراتی است که مشروعیت آن موکول به امضا ولی فقیه است و بدون آن غیر فقیه نمی‌تواند آن اختیارات را

_____ بررسی تطبیقی تنوع عملکرد کشورها در خصوص فرآیند نظارت بر انتخابات ریاست...

اعمال کند(عمید زنجانی، ۱۳۹۱: ۴۱۳). مطالب این قسمت در خصوص نظارت بر انتخابات ریاست جمهوری را می‌توان تحت عناوین زیر بررسی نمود:

۱- جایگاه شورای نگهبان و وظایف آن به عنوان نهاد ناظر: یکی از نهادهای مهم و تعیین کننده در نظام جمهوری اسلامی ایران، نهاد شورای نگهبان است. در اصول متعدد قانون اساسی درباره جایگاه و اختیارات آن به صراحت سخن رفته است. در اصل ۹۱ قانون اساسی، شورای نگهبان به عنوان پاسدار اسلام و قانون اساسی معرفی شده است. در اصل ۹۳ قانون اساسی آمده است که مجلس شورای اسلامی بدون وجود شورای نگهبان اعتبار قانونی ندارد و بر اساس اصل ۶۹ مجلس نمی‌تواند بدون حضور شورای نگهبان در جلسات غیرعلنی مصوبه‌ای داشته باشد. در اصل ۱۱۱ قانون اساسی یکی از فقه‌های شورای نگهبان و در برخی از شرایط دو نفر از آنها جزو شورای سه نفری جانشین رهبری معرفی شده‌اند و همچنین در اصل ۱۰۸، تدوین آئین‌نامه داخلی خبرگان رهبری و نیز قانون مربوط به تعداد و شرایط خبرگان و کیفیت انتخابات آن‌ها در اولین دوره به فقه‌های شورای نگهبان سپرده شده است و... در مجموع بر اساس قانون اساسی شورای نگهبان دارای سه وظیفه اصلی و کلیدی است:

۱. بررسی مصوبات مجلس از جهت مغایرت و یا عدم مغایرت آن‌ها با شرع و قانون اساسی. مصوبه مجلس تا زمانی که به تایید شورای نگهبان نرسد اعتبار قانونی ندارد. (اصول ۷۲، ۹۱، ۹۴، ۹۶).

۲. تفسیر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، بر این اساس تنها تفسیر شورای نگهبان رسمیت و قانونیت دارد، نه هیچ مرجع و نهاد دیگر (اصل ۹۸).

۳. نظارت بر انتخابات ریاست جمهوری و خبرگان رهبری و مجلس شورای اسلامی و همه پرسی (اصل ۹۹).

از میان این وظایف مهم و اساسی آنچه مد نظر ماست و به موضوع بحث ما مرتبط می‌شود، بحث نظارت بر انتخابات ریاست جمهوری است. وظیفه خطیر ریاست جمهوری اقتضا می‌کند که رئیس جمهور از شرایط ویژه و برجسته‌ای برخوردار باشد تا بتواند به‌طور شایسته به ایفای وظیفه خطیر خود بپردازد. هرچند که رئیس جمهور با رأی مستقیم مردم انتخاب می‌شود، اما تشخیص شرایط ویژه مورد نظر برای مردم شاید مشکل و در برخی اوقات غیرممکن باشد. بدین خاطر قبل از انتخابات باید صلاحیت داوطلبان توسط مرجع صالح، بی‌طرف و متخصص مورد بررسی قرار گیرد و آن‌گاه آنان که فی الواقع دارای جمیع آن شرایط باشند، صلاحیتشان برای

انتخاب مورد تأیید قرار گیرد. تصریح به نظارت شورای نگهبان بر انتخابات در اصل ۹۹ قانون اساسی نوعی تأکید بر رای مردم است، در حقیقت مردم با رای مستقیم به قانون اساسی و رای غیرمستقیم به قانون انتخابات بر این روند صحنه گذاشته‌اند و شورای نگهبان از طرف مردم وکالت دارد تا شرایط و صلاحیت‌ها را تشخیص دهد، نه این که قیم مردم باشد. این امر در قانون اساسی نیز آمده که مردم با رای مستقیم خود آن را تأیید کرده‌اند (یاری، ۱۳۸۵: ۲۲۲).

۲- سازو کار نظارت بر انتخابات ریاست جمهوری: پنج اصل پی‌درپی قانون اساسی (اصول ۱۱۶ تا ۱۲۰) به مسأله انتخابات ریاست جمهوری پرداخته است، البته در اصول دیگر نیز به صورت جست و گریخته به مسأله انتخابات ریاست جمهوری و نظارت بر آن اشاره شده است. بر اساس اصل ۱۱۶ قانون اساسی ایران: نامزدهای ریاست جمهوری باید قبل از شروع انتخابات آمادگی خود را رسماً اعلام کنند. نحوه برگزاری انتخابات ریاست جمهوری را قانون معین می‌کند. در راستای اجرای ذیل این اصل، قانون انتخابات ریاست جمهوری در سال ۱۳۶۴ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده که در آن چگونگی برگزاری انتخابات از مرحله ثبت نام داوطلبان تا مرحله اجرای انتخابات و مجازات متخلفان بیان شده است و این قانون دارای یک آیین‌نامه اجرایی نیز هست. همچنین در راستای اصل ۱۱۸ قانون اساسی که در مورد نظارت شورای نگهبان بر این انتخابات است، در سال ۱۳۶۴ قانون نظارت شورای نگهبان بر انتخابات ریاست جمهوری اسلامی ایران به تصویب رسید (ملک‌افضلی، ۱۳۹۱: ۲۰۸).

طبق اصل ۱۱۸ قانون اساسی مسؤلیت نظارت بر انتخابات ریاست جمهوری در ایران بر عهده شورای نگهبان است و قبل از تشکیل نخستین شورای نگهبان، انجمن نظارتی که قانون تعیین می‌کند، مسؤلیت نظارت بر انتخابات ریاست جمهوری را بر عهده می‌گیرد. طبق ماده ۲ قانون نظارت شورای نگهبان بر انتخابات ریاست جمهوری، قبل از شروع انتخابات از سوی شورای نگهبان هفت نفر از افراد مسلمان و مطلع و مورد اعتماد دارای حسن سابقه با اکثریت آرا اعضای شورای نگهبان، به عنوان هیات مرکزی نظارت بر انتخابات رئیس جمهوری و سه نفر به عنوان عضو علی‌البدل انتخاب و به وزارت کشور معرفی می‌شوند. حداقل دو نفر عضو هیات مرکزی نظارت باید از اعضای شورای نگهبان باشند. طبق ماده ۶ همان قانون، در طول مدت رای‌گیری و قبل و بعد از آن هرگاه هیات مرکزی یا ناظرین آنان در سراسر کشور در هر مورد که سو جریان یا تخلفی را مشاهده کنند، کتبا تذکر خواهند داد و فرمانداران و بخشداران موظفند بنابر نظر آنان طبق قانون انتخابات در رفع نواقص اقدام نمایند. همچنین طبق ماده ۹

_____ بررسی تطبیقی تنوع عملکرد کشورها در خصوص فرآیند نظارت بر انتخابات ریاست...

این قانون: شورای نگهبان می‌تواند برحسب نظارت، مستقلاً انتخابات را در هر یک از مراحل، در کل یا بعضی مناطق با ذکر دلیل باطل اعلام کند.

در خصوص تایید صلاحیت نامزدهای انتخابات ریاست جمهوری نیز لازم به ذکر است که طبق ماده ۵۶، قانون انتخابات ریاست جمهوری می‌گوید: وزارت کشور پس از پایان مهلت قبول داوطلبی بلافاصله مدارک داوطلبان را به دبیرخانه شورای نگهبان تسلیم می‌دارد و طبق ماده ۵۷: شورای نگهبان ظرف ۵ روز از تاریخ وصول مدارک داوطلبان به صلاحیت آنان رسیدگی و نظر خود را صورت جلسه نموده و نسخه‌ای از آن را به وزارت کشور جهت اعلام عمومی می‌فرستد. همچنین قانون اساسی در اصل ۹۹ تکلیف نظارت بر انتخابات را به عهده شورای نگهبان گذاشته ولی مسؤولیت اجرای انتخابات را با تمامی نقش و اهمیت و نقشی که مجری می‌تواند در جریان برگزاری انتخابات از خود بروز دهد به قوانین عادی سپرده شده است.

بر اساس ماده ۳۱ قانون انتخابات ریاست جمهوری، وزارت کشور مجری انتخابات است و در این راستا فرمانداران باید هیات اجرایی تشکیل دهند و این‌ها باید از طرف هیات نظارت تایید شوند و وقت و هزینه و توان فرسایی بر دوش نظام گذاشته می‌شود تا اصطکاک این دو هیات رفع شود و نوعاً اختلاف آن‌ها حل نشدنی است. امروزه کشورها برای رفع این مشکل با تشکیل کمیته ملی انتخابات یا کمیسیون ملی انتخابات یا دیگر سازو کارها سعی کرده‌اند این مشکل ساختاری را برطرف کنند. در برخی کشورها کمیسیون یا کمیته ملی با عضویت نمایندگان از سه قوه و یا حتی حضور نمایندگان از سندیکاها و احزاب سیاسی تشکیل می‌شود که مسؤولیت برگزاری کل انتخابات در کشور را برعهده دارند (قوامی، ۱۳۸۳: ۲۱۳).

۳- نوع نظارت شورای نگهبان: بر اساس اصل ۹۹ قانون اساسی شورای نگهبان عهده دار نظارت بر انتخابات است. در این اصل به کیفیت و چند و چون نظارت اشاره نشده است و موضوع به اطلاق برگزار شده است. همین امر باعث بروز ابهامات و تنش‌هایی در جامعه گردید. شورای نگهبان در سال ۱۳۷۴ این اصل را مورد تفسیر قرار داد و این گونه بیان می‌کند که: نظارت مذکور در اصل ۹۹ قانون اساسی، استصوابی است و شامل تمام مراحل اجرایی انتخابات از جمله تایید و رد صلاحیت کاندیداها می‌شود (جهانگیر، ۱۳۸۰: ۲۰۵). در پی این تفسیر انتقاداتی بر شورای نگهبان وارد شد و مخالفان و موافقان این نوع نظارت دلایل خود را ابراز نمودند. مخالفان این گونه استدلال می‌کنند که نظارت استصوابی، تفسیری زائد بر نص، به نفع

مفسر، نافی و ناسخ قوانین دیگر، مغایر با اصل عدم صلاحیت که از اصول حاکم بر حقوق عمومی است می‌باشد (جعفری ندوشن، ۱۳۸۵: ۱۳۱؛ علی نقی، ۱۳۷۸).

تلقی برخی‌ها از نظارت بر انتخابات، ایجاد نوعی محدودیت در حقوق سیاسی مردم است. حال آن که در خبرگان قانون اساسی چنین دیدگاهی در مورد مسأله‌ی نظارت و حقوق مردم وجود نداشته است. تلاش تدوین کنندگان قانون اساسی در این جهت بوده است که ضعف قدرت مردم در تقابل با قوا و نیروهای رسمی دولتی (به ویژه قوه‌ی مجریه) از راه یک نهاد ناظر جبران شود (علی نقی، ۱۳۷۸: ۵۰). از این رو این نظارت به معنای نظارت فرا قانونی و به منزله‌ی دخالت در اجرای انتخابات و گزینش کاندیداها محسوب نمی‌شود (حبیب‌زاده و حسین‌زاده، ۱۳۸۳: ۸۶).

در این خصوص باید اشاره کنیم که همه اختلافات درباره نوع نظارت شورای نگهبان به واژگان مبهم و قابل تفسیر شرایط انتخاب‌پذیری در قوانین انتخاباتی برمی‌گردد. اگر قوانین انتخاباتی از چنین اشکالات بحث برانگیزی فارغ شود، هیچ مرجعی چه از لحاظ مقام، ترکیب، استقلال برای رسیدگی به صلاحیت داوطلبان در مرتبه شورای نگهبان نمی‌توان یافت. در ارزیابی نهایی می‌توان این گونه گفت که اینکه واژه نظارت در حالت اطلاق کدام نوع نظارت را می‌رساند بحثی است که فقها و حقوقدانان در مورد آن به نتیجه واحدی نرسیده‌اند. به عبارت دیگر برخی فقها و برخی حقوقدانان نظارت را در حالت اطلاق حمل بر استصوابی می‌نمایند و دسته دیگر آن را استطلاعی می‌دانند. از آنجا که در این مورد اجماعی وجود ندارد تنها راهی که باقی می‌ماند این است که نظر مفسر رسمی قانون اساسی یعنی شورای نگهبان را بپذیریم. همچنین با توجه به مطالب اشاره شده و دقت در حیطه وظایف و اختیارات و همچنین فلسفه نظارت شورای نگهبان نشان می‌دهد که منظور قانون‌گذار از نظارت شورای نگهبان، نظارت به معنای استصوابی است، که این نظارت عام و مطلق بوده و همه مراحل انتخابات از قبیل تشخیص صلاحیت کاندیداها، تعیین زمان برگزاری، تشخیص تخلف، ابطال و اعلام صحت انتخابات را شامل می‌شود (یارارشدی، ۱۳۸۵: ۴۳-۲۶)، همچنان که ماده ۸ قانون انتخابات

_____ بررسی تطبیقی تنوع عملکرد کشورها در خصوص فرآیند نظارت بر انتخابات ریاست...

ریاست جمهوری می‌گوید: نظارت بر انتخابات ریاست جمهوری بر عهده شورای نگهبان می‌باشد، این نظارت عام و در تمام مراحل و در کلیه امور مربوط به انتخابات جاری است.^۱

۴- نقد نظارت شورا و ارائه پیشنهاد: با توجه به مطالب مذکور در این قسمت توجه به نکات و پیشنهادات زیر می‌تواند درخور توجه باشد:

۱. به عنوان نخستین گام در جهت تامین حقوق برابر افراد در مقابل قوانین انتخاباتی، تدوین و تصویب قوانین دقیق و عاری از ابهام و تفسیر و در نظر گرفتن ملاک‌های عینی و قابل لمس در خصوص کیفیت نظارت بر جریان انتخابات و حکومت این قواعد بر اعمال و تصمیمات ناظران انتخاباتی می‌تواند از اعمال سلیقه در تصمیم‌گیری‌ها جلوگیری نماید. همین حکومت قانون در مراقبت بر جریان انتخابات، خود وسیله‌ای برای جلوگیری از خودسری‌ها و شرط نخست برابری است (کاتوزیان، ۱۳۸۵: ۷۹). بنابراین قاعده‌مند بودن معیار نظارت خود یکی از اصول بنیادین و اساسی در این زمینه است.

۲. از آنجاکه مساله نظارت بر اجرای قوانین انتخاباتی یک مقوله و احراز شرایط قانونی جهت انتخاب شدن مقوله‌ای دیگر است، مجلس می‌تواند در راستای اصل ۶۲ قانون اساسی صراحتاً مرجعی را تعیین کند که وجود شرایط قانونی در داوطلبان را تشخیص دهد و در این راه به روح قانون اساسی و ساختارهای حقوق اساسی توجه لازم را داشته باشد. شاید ترکیبی از هیات‌های نظارت و اجرایی نهاد مناسبی برای این امر باشد. در این صورت شورای نگهبان می‌تواند با فراغ خاطر بیشتری بر اجرای قوانین انتخاباتی نظارت داشته باشد و بر این هیات‌ها نیز به عنوان یک نهاد عالی نظارت کند.

۳. شورای نگهبان در جریان احراز صلاحیت‌ها فقط به اصل عدالت، بی‌طرفی و لا غیر توجه نموده و جوان‌گرایی را در حد امکان مد نظر قرار دهد، در مقابل از رد صلاحیت هیچ شخصی هرچند بزرگ و مشهور نهراسیده و راه صحیح را برگزیند. همچنین مناسب به نظر می‌رسید که برای اعتراض به رد صلاحیت نامزدهای رد صلاحیت شده، در مرحله فرجامی و نهایی، یک نهاد قضایی عالی و یا نهادی مرکب از نمایندگان قوای سه‌گانه در نظر گرفته می‌شد؛ زیرا در بررسی این امر بوسیله شورای نگهبان، چون اعضا متأثر از نظریات قبلی خود خواهند بود، مفید به

۱. نک. ماده ۴ قانون نظارت شورای نگهبان بر انتخابات ریاست جمهوری، ماده ۳ قانون نظارت شورای نگهبان بر انتخابات مجلس شورای اسلامی و ماده ۶۵ آیین‌نامه اجرایی قانون انتخابات مجلس خبرگان رهبری.

مقصود به نظر نمی‌رسد. در مقابل امید است عزیزانی که رد صلاحیت می‌شوند بدور از جنجال جهت اعتراض و شکایات خویش راه قانونی را در پیش گرفته و فضای جامعه را به سمت التهاب کاذب سوق ندهند.

۴. تشکیل کمیسیون یا سازمانی بی‌طرف، مرکب از نمایندگان شورای نگهبان، وزارت کشور، رسانه‌های گروهی، احزاب و گروههای مدنی، به منظور نظارت بر تبلیغات و مبارزات انتخاباتی و روند برگزاری انتخابات، که در این صورت احزاب و افراد، دیگر نتوانند به راحتی همدیگر را متهم نمایند و در صورت وقوع تخلف و یا اعمال خلاف قانون، از ضایع شدن حقوق نامزدهای انتخاباتی جلوگیری شود و همچنین روند برگزاری انتخابات نزد مردم شفاف‌تر شود. به علاوه این شیوه کمک خواهد کرد که فرهنگ شکست تقویت گردد و بازندگان پذیرای شکست خود گردند بی‌آنکه به بهانه‌های بی‌اساس یکدیگر را هتک حرمت نمایند.

۵. اصل ۹۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بیان می‌کند که شورای نگهبان تنها حق نظارت بر انتخابات را بر عهده دارد و با عنایت به تفاوت معنایی واژه نظارت و اجرا و کارکرد و شان اجرایی وزارت کشور در انتخابات، به نظر می‌رسد علی‌رغم اختلاف نظری که در این زمینه وجود دارد، شورای نگهبان حق توقف انتخابات را نداشته باشد و صرفاً در پایان انتخابات باید ارزیابی خود را نسبت به صحت انتخابات ابراز دارد، در غیر این صورت تداخل وظایف ایجاد شده و به بی‌نظمی می‌انجامد. از سوی دیگر باید توجه داشت که شورای نگهبان بر اساس قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نهاد قضایی محسوب نشده و بخشی از قوه مقننه است، بنابراین تصمیم به ابطال انتخابات بهتر و منطقی‌تر است که توسط یک نهاد قضایی عالی گرفته شود. صدور این حکم توسط مهمترین نهاد قضایی کشور، یعنی هیات عمومی دیوان عالی کشور به نظر مناسب می‌رسد.

۶. در مقام نقد نظارت استصوابی باید اشاره کنیم که به دلیل اینکه این نوع نظارت ممکن است علی‌رغم رأی قاطع مردم به منتخبین، بنا به ملاحظه‌هایی با عدم صدور اعتبارنامه به نماینده‌ی منتخب و یا ابطال نمایندگی وی و حتی ابطال انتخابات منجر شود و اینکه در نظارت استصوابی معیار مراقبت و ملاک تصمیم‌گیری ناظر، فقط قانون نیست، در نتیجه این نوع نظارت مفید به مقصود نمی‌باشد. به نظر می‌رسد همانگونه که دیگر حقوقدانان نیز به آن اشاره داشته‌اند، نظریه نظارت قانونی (البته در صورت وجود قوانین شفاف و عاری از ابهام و تفسیرهای چندگانه) به دلیل تامین اصل حاکمیت قانون دارای وجاهت بیشتری باشد (اطاعت، ۱۳۸۳: ۳۲-۳۱).

_____ بررسی تطبیقی تنوع عملکرد کشورها در خصوص فرآیند نظارت بر انتخابات ریاست...

۷. از منظر نگارندگان در جمهوری اسلامی ایران برای نظارت بر انتخابات و روند اجرای آن، از پتانسیلی که برای نهادهای غیردولتی، محلی، مدنی و مردمی وجود دارد به خوبی استفاده نشده است. حکومت می‌تواند با افزایش ظرفیت این نهادها شاهد ارتقای ظرفیت ناظران انتخاباتی، تمایل فزاینده شهروندان در مشارکت‌های انتخاباتی، ایجاد فضای رقابتی سالم‌تر بین نامزدها، شفافیت و اعتماد عمومی فزاینده ملت به نهادهای حاکمیتی و حکومت اسلامی باشد.

نتیجه‌گیری

امروزه حق تعیین سرنوشت به‌عنوان یکی از حقوق اساسی شهروندان در اعلامیه‌های جهانی حقوق بشر و قوانین اساسی کشورها پذیرفته شده است. یکی از لوازم تحقق این حق، برگزاری انتخابات عادلانه و صحیح و شرکت مردم در تعیین سرنوشت سیاسی خویش می‌باشد. نکته قابل ذکر این است که حق مزبور در هیچ کشوری به‌صورت مطلق و بدون حد و حصر پذیرفته نشده، بلکه از حیث انتخاب شدن و انتخاب کردن، نحوه اجرا و تبلیغات تابع شرایط و قیودی است. رعایت این قیود و قواعد، وجود نهادی را می‌طلبد که برگزاری یک انتخابات صحیح، سالم و منطبق با قوانین را کنترل و نظارت نماید. با این وجود نظارت باید به گونه‌ای باشد که از یک طرف پاسدار آراء مردم باشد و از طرف دیگر مانع ورود افراد ناصالح به عرصه‌های سیاسی مهم کشور گردد؛ لذا نهادهایی که عهده‌دار این رسالت خطیر هستند باید بی‌طرف، مستقل و پاسخگو بوده و جز در چارچوب قانون عمل نمایند، تا سلیقه‌ها نتواند جایگزین نظر واقعی مردم گردند.

در این مقاله با بررسی تقریباً قوانین ۳۰ کشور مختلف، سعی کردیم تنوع عملکرد کشورها در خصوص نظارت بر انتخابات ریاست جمهوری را مورد مذاقه قرار دهیم. در این بررسی تطبیقی ما شاهد بودیم که در نظام‌های سیاسی معاصر چه روش‌های متنوعی برای این وظیفه خطیر در نظر گرفته شده است و به علت حساسیت این نوع نظارت سعی شده که از تمام ظرفیت‌های کشورها استفاده شود. حساسیت و خطیر بودن این نظارت خود باعث شده که یک اجماع جهانی در این خصوص که در نهایت چه ارگانی باید این وظیفه را بر عهده بگیرد، وجود نداشته باشد. با توجه به مطالب گفته شده، دریافتیم که در یک مطالعه تطبیقی نوع محور می‌توان انواع این نوع نظارت را با توجه به تجربه کشورهای مختلف در چهار دسته تقسیم بندی

کرد که شامل نظارت توسط یک ارگان قضائی، نظارت توسط یک ارگان تقنینی، نظارت توسط یک ارگان اجرایی و در نهایت نظارت توسط یک کمیسیون خاص تقسیم بندی کرد. در قسمت دوم پژوهش نظارت بر انتخابات ریاست جمهوری در جمهوری اسلامی ایران را مورد بررسی قرار دادیم. همانطور که اشاره شد طبق اصل ۹۹ قانون اساسی، این مهم بر عهده شورای نگهبان گذارده شده است. در تقسیم بندی‌هایی که از انواع نهادهای ناظر بر انتخابات برشمردیم، باید شورای نگهبان را جزو نهادهای سیاسی خاص و مختلط محسوب کنیم، زیرا که در این روش از یک نهاد سیاسی خاص که ترکیبی از فقها و حقوقدانان است، استفاده شده و در انتخاب آنها هم رهبری و هم مجلس و قوه قضائیه دخیل هستند.

ما در این مقاله قصد آن را نداشته‌ایم که برتری شیوه نظارت بر انتخابات ریاست جمهوری در ایران را اثبات و ایرادات و کاستی‌های الگوی کشورهای موصوف را بررسی کنیم (هرچند که تا حدودی به این موضوع نیز پرداخته شد)، چه آنکه این خود می‌تواند موضوع مقاله‌ای دیگر باشد، بلکه بر آن بودیم که با نگاهی تطبیقی به معرفی الگوهای متفاوت این نظارت در ایران و سایر کشورها بپردازیم. زیرا که مطالعات تطبیقی می‌تواند از درون گرایی، تاخر و درخودتنیدگی نظامهای سیاسی جلوگیری کند و قانونگذاران و سیاستگذاران حکومتی می‌توانند در هر کجای جهان با توجه به نوع و محتوای حکومت خود و همچنین توجه به اشتراکات فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، مذهبی، از دستاوردهای و تجربیات کشورهای دیگر در تدوین قوانین خود استفاده کنند و در جهت رفع کاستی‌های و معایب خود گام بردارند؛ خصوصا در مبحث نظارت بر انتخابات ریاست جمهوری که الگوهای متفاوت و متنوعی را می‌توان مشاهده کرد.

سخن را در این جستار با این گفته به پایان می‌بریم که الگوی نظارت بر انتخابات ریاست جمهوری در جمهوری اسلامی ایران (علی رغم نقدهایی که پیرامون آن مطرح کردیم)، می‌تواند به عنوان یک شیوه ابتکاری و بدیع مطرح باشد که می‌تواند از جانب کشورهای اسلامی معاصر به عنوان یک الگوی مناسب و کارآمد که هم دارای خصایص اسلامی و دموکراتیک است، مورد پیروی قرار گیرد. البته این گفته بدین معنا نیست که دیگر الگوهای موصوف ناکارآمد بوده و پاسخگوی نیازهای دموکراتیک ملت‌ها در دوران معاصر نیستند.

_____ بررسی تطبیقی تنوع عملکرد کشورها در خصوص فرآیند نظارت بر انتخابات ریاست...

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

- اسماعیلی، محمد مهدی، احسان، موحدیان (۱۳۸۸). «انتخابات در نظام جمهوری اسلامی و بررسی نقش رسانه ملی در آن»، فصلنامه پژوهش‌های ارتباطی، سال شانزدهم، شماره ۱، پیاپی ۵۷. اطاعت، جواد (۱۳۸۳). «انتخابات و نظارت شورای نگهبان»، نشریه حقوق اساسی، سال دوم، شماره دوم. ایوبی، حجت‌اله (۱۳۷۷). سه راهکار برای شایسته‌سالاری در انتخابات، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- بوشهری، جعفر (۱۳۸۰). حقوق اساسی تطبیقی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- تقی‌زاده، جواد؛ کریم‌زاده شریف‌آباد، طیبه (۱۳۹۲). «اصل برابری و نظارت قانونی بر اجرای انتخابات نهادهای سیاسی»، مجله مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز، دوره ۵، شماره اول.
- جعفری ندوشن، علی‌اکبر (۱۳۸۵). بررسی تطبیقی کار ویژه‌های شورای نگهبان در ایران، فرانسه، آمریکا، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- جهانگیر، منصور (۱۳۸۰). نظریات تفسیری و مشورتی شورای نگهبان درباره قانون اساسی، چاپ اول، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- حبیب‌زاده، محمد جعفر؛ حسین‌زاده، جواد (۱۳۸۳). «جایگاه قانونی دفاتر نظارت شورای نگهبان در چارچوب نقد و تحلیل رأی دیوان عدالت اداری»، فصلنامه‌ی مدرس علوم انسانی، شماره ۳. دارابی، علی (۱۳۸۸). «بنیانهای نظری رفتار انتخاباتی شهروندان در جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه پژوهش‌های ارتباطی، سال شانزدهم، شماره ۱، پیاپی ۵۷.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۴۳). لغت‌نامه، تهران: دانشکده ادبیات دانشگاه تهران، سازمان لغت نامه تهران طباطبایی مومنی، منوچهر (۱۳۸۰). حقوق اساسی، تهران: نشر میزان.
- ظفری، محمدرضا (۱۳۵۸). سیستم‌های حقوقی کشورهای اسلامی، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- عالیخانی، محمد (۱۳۸۱). حقوق اساسی، تهران: انتشارات دستان.
- علینقی، امیرحسین (۱۳۷۸). نظارت بر انتخابات و تشخیص صلاحیت داوطلبان، تهران: نشر نی.
- عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۸۲). «شورای نگهبان و نظارت بر انتخابات»، حکومت اسلامی، سال هشتم، شماره چهارم.
- عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۹۱). فقه سیاسی، جلد اول، چاپ ششم، تهران: انتشارات امیر کبیر.

فصلنامه مطالعات سیاسی؛ سال هفتم، شماره ۲۷، بهار ۱۳۹۴

- عیوضی، محمد رحیم (۱۳۸۸). «تاثیر رسانه بر رفتار انتخاباتی»، فصلنامه پژوهش‌های ارتباطی، سال شانزدهم، شماره ۱، پیاپی ۵۷.
- قاری، سید فاطمی (۱۳۸۰). «تحلیل مفاهیم کلیدی حقوق بشر معاصر، حق تعهد، آزادی، برابری و عدالت»، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۳۳ و ۳۴.
- قاسم زاده، قاسم (۱۳۳۶). حقوق اساسی فرانسه، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- قاضی، ابوالفضل (۱۳۸۳). حقوق اساسی و نهادهای سیاسی، چاپ دوازدهم، تهران: نشر میزان.
- قوامی، صمصام‌الدین (۱۳۸۳). «شرایط و موانع نظارت»، حکومت اسلامی، سال نهم، شماره سوم.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۵). حکومت قانون و جامعه مدنی، تهران: دانشگاه تهران.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۶۹). حقوق مدنی، عقود معین (عطایا، هبه، وقف، وصیت)، جلد سوم، تهران: یلدا.
- کولایی، الهه (۱۳۷۷). قوانین اساسی فدراسیون روسیه و جمهوری‌های آسیای مرکزی، تهران: انتشارات میزان.
- گای‌اس، گودوین گیل (۱۳۶۸). انتخاب آزاد و منصفانه در حقوق و رویه بین‌المللی، ترجمه جمال سیفی و قاسم زمانی، تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.
- لنگرودی، جعفر (۱۳۶۸). مبسوط در ترمینولوژی حقوق، ج ۵، تهران: گنج دانش.
- مدنی، جلال‌الدین (۱۳۷۹). حقوق اساسی تطبیقی، چاپ سوم، تهران: انتشارات پایدار.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۱). پرسش‌ها و پاسخ‌ها، جلد سوم، قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- معین، محمد (۱۳۷۱). فرهنگ فارسی معین، تهران: امیر کبیر.
- ملک‌افضلی، محسن (۱۳۹۱). مختصر حقوق اساسی و آشنایی با قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، چاپ اول، قم: دفتر نشر معارف.
- هاشمی، محمد (۱۳۸۶). حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، جلد ۲، چاپ هجدهم، تهران: نشر میزان.
- هاشمی، محمد (۱۳۸۳). «قانون اساسی و حاکمیت مردم»، نشریه حقوق اساسی، سال دوم، شماره ۳.
- هدایت‌نیا، فرج‌اله، کاویانی، محمدهادی (۱۳۸۰). بررسی فقهی و حقوقی شورای نگهبان، تهران: موسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.
- هریسی‌نژاد، کمال‌الدین (۱۳۸۷). حقوق اساسی تطبیقی، تبریز: انتشارات آیدین.
- هریسی‌نژاد، کمال‌الدین (۱۳۸۰). «نظری بر ابعاد حقوقی انتخابات و راه‌های توسعه آن»، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی تبریز، شماره ۱۸۰-۱۸۱.

_____ بررسی تطبیقی تنوع عملکرد کشورها در خصوص فرآیند نظارت بر انتخابات ریاست...

یار ارشدی، علی (۱۳۸۵). «نظارت شورای نگهبان بر انتخابات، استصوابی یا استطلاعی»، **نشریه حقوق اساسی**، سال چهارم، شماره ششم و هفتم.
یاری، محمدجواد (۱۳۸۵). «نظام انتخاباتی در نظام مردم سالاری دینی و لیبرال دموکراسی»، **علوم سیاسی**، سال نهم، شماره ۳۶.

ب) منابع انگلیسی

Dowse, Robert e&Hughes, Jon.A. (1986). **Political Sociology**, New York: john wiley& sons.
Eisenstadt, Tood.A. (2002). " Measuring Electoral Court Failure in Democratizing Mexico", **International Political Science Review**, Vol 23, No. 1, 47-68.
Gerardo, Munck &Verkuilen, Jay (2002). "Conceptualizing and Measuring Democracy: Evaluating Alternative Indices", **Comparative Political Studies** 35(1):5-34, February.

ج) قوانین

آیین‌نامه اجرایی قانون انتخابات **مجلس خبرگان**، مصوب ۱۳۶۱ با اصلاحات بعدی.
قانون اساسی انگلستان، مصوب ۱۹۹۲.
قانون اساسی ایالات متحده آمریکا، مصوب ۱۹۹۴.
قانون اساسی ایتالیا، مصوب ۲۰۰۳، تهران: اداره کل توافقی‌های بین‌المللی.
قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۳۵۸ و بازنگری ۱۳۶۸.
قانون اساسی جمهوری افغانستان، مصوب ۱۳۸۲ هجری شمسی.
قانون اساسی جمهوری تاجیکستان، مصوب ۱۳۷۵ هجری شمسی.
قانون اساسی جمهوری نیجر، مصوب ۱۹۹۶ میلادی.
قانون اساسی دانمارک، مصوب ۱۹۹۲، تهران، (۱۳۶۸)، اداره کل تدوین و تنقیح مقررات کشور.
قانون اساسی رومانی، مصوب ۱۹۹۱، تهران، (۱۳۶۰)، اداره کل تدوین و تنقیح مقررات کشور.
قانون اساسی ژاپن، مصوب ۱۹۹۴، تهران، (۱۳۶۸)، اداره کل تدوین و تنقیح مقررات کشور.
قانون اساسی فرانسه، مصوب ۱۹۹۲، تهران، (۱۳۷۶)، اداره کل تدوین و تنقیح مقررات کشور.
قانون اساسی کره جنوبی، مصوب ۱۹۸۸ میلادی.
قانون اساسی نروژ، مصوب ۱۹۹۶، تهران (۱۳۶۸)، اداره کل تدوین و تنقیح مقررات کشور.

فصلنامه مطالعات سیاسی؛ سال هفتم، شماره ۲۷، بهار ۱۳۹۴

قانون انتخابات ریاست جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۳۶۴/۴/۵، با اصلاحات بعدی و آیین نامه اجرایی آن.

قانون انتخابات ریاست جمهوری کره جنوبی، مصوب ۱۹۸۹.

قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۳۷۸.

قانون نظارت شورای نگهبان بر انتخابات ریاست جمهوری، مصوب ۱۳۶۴/۴/۴.

د) وبسایت

پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی به نشانی: www.fa.journals.sid.ir

پایگاه مجلات تخصصی نور به نشانی: www.noormags.ir

سایت اینترنتی بنیاد انتخابات آزاد و عادلانه افغانستان (فیفا) به نشانی: www.fefa.org.af

سایت اینترنتی بنیاد انتخابات شفاف افغانستان (تیفا) به نشانی: www.tefa.org.af

سایت اینترنتی مجتمع جامعه مدنی افغانستان (مجما) به نشانی: www.fefa.org.af

سایت خبرگزاری صدای افغان (آوا) به نشانی: www.avapress.com